

مجموعه اسناد و دفاعیات محمدعلی طاهری
فایل شماره ۱

دفاعیات و کلا



گردآوری از خبرگزاری هرانا
آذرماه ۹۵



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لاتتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله ان الذین یضلون عن سبیل الله لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب

ریاست محترم شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران
با سلام "

احتراماً اینجانبان دکتر سید محمود علیزاده طباطبایی و زینب طاهری، به وکالت از آقای محمدعلی طاهری فرزند محمد آقا ضمن اعتراض به کیفرخواست صادر شده علیه موکل دفاعیات ذیل را جهت احقاق حق موکل و تشحیذ ذهن دادگاه محترم به استحضار می رساند:

آنچه که از سال ۱۳۸۹ تا کنون در مرجع قضایی نسبت به پرونده موکل گذشت

کیفرخواستی در ۴۱ صفحه (از صفحات ۲۱۶ تا ۲۵۶ جلد دوم پرونده سال ۱۳۹۰ و با استناد به مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۵۱۳ و ۶۳۸ از قانون اسلامی و ماده ۵۵۶ همان قانون موضوع ماده واحده قانون مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی و مواد ۱ و ۳ از قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی با اصلاحات و الحاقات بعدی مواد ۱ و ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری صادر گردید، پرونده موکل در خصوص اتهام افساد فی الارض به لحاظ نقص تحقیقات مفتوح اعلام و جهت رفع نقص به دادسرا عودت داده شده: از جهت اتهام توهین به مقدسات اسلامی به استناد ذیل ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی به تحمل پنج سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم شده: از جهت اتهام مداخله غیر قانونی در امور پزشکی و درمان بیماران به استناد ماده ۳ اصلاحی قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی ضمن حکم بر ابطال پروانه موسسه عرفان کیهانی حکم به محکومیت متهم، به پرداخت پنجاه میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت صادر شده: از جهت اتهام ارتکاب فعل حرام و رابطه نامشروع لمس نامحرم وی را محرم



زینب طاهری
شماره پروانه: ۱۸۷۰۴



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

شناخته و به استناد ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی به تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم نموده است و از جهت اتهام رابطه نامشروع حکم برائت وی صادر شده: از جهت اتهام تهیه و توزیع آثار سمعی و بصری غیر مجاز به استناد ماده ۲ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری غیر مجاز فعالیت دارد، وی را به پرداخت ده میلیون تومان جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم نموده: از جهت تحصیل مال نامشروع با احراز بزهکاری وی با استناد ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری وی را به پرداخت مبلغ هشتصد و نود میلیون تومان جزای نقدی در حق دولت محکوم نموده: از جهت اتهام استفاده غیر مجاز از عناوین علمی دکتر و مهندس با استناد به ماده واحده قانونی مجازات استفاده غیر مجاز از عناوین علمی و ماده ۵۵۶ قانون مجازات اسلامی متهم را به پرداخت شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرده است و با استناد به ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی حکم به ابراء کتب و آثار مکتوب وی که به فتوای مراجع تقلید ضاله و مضله است صادر شده است. پرونده ارسالی به دادسرا جهت رفع نقص نیز در جریان تکمیل تحقیقاتی قرار گرفته است، بازپرس پرونده در تاریخ ۴/۸/۹۳ با اعلام انجام تحقیقات لازمه و رفع نقص، پرونده را به دادگاه ارسال نموده است. (تحقیقات در دادسرا حدود ۴ سال طول کشید) در تاریخ ۲۰/۱۲/۹۳ جلسه دادگاه تشکیل و اتهام افساد فی الارض از طریق ایجاد فرقه عرفان کیهانی و تشکیل کلاس و بسط تفکرات انحرافی ضد دین و خلاف شرع و ادعاهای واهی و تضعیف نگرش دینی مردم و اعتقادات مذهبی به صورت گسترده و فعال در سطح داخل و خارج کشور به موکل (طاهری) تفهیم گردید. دادگاه در تاریخ ۲۵/۳/۹۴ ختم دادرسی را اعلام و به موجب دادنامه شماره ۲۶/۱۶/۹۴ - ۴/۵/۹۴ در مورد اتهام موکل مبنی بر فساد فی الارض با استناد به گستردگی اقدامات متهم در داخل و خارج کشور و ضاله بودن افکار متهم و فتوای مراجع معظم تقلید و کتب مربوط به متهم و پاسخ استعلام از مراجع ذیربط مبنی بر غیرقانونی بودن فعالیتهای متهم و نظریه پزشکی قانونی در خصوص عدم اثبات تأثیر فرادرمانی در درمان بیماران و وصول برخی شکایات شکات خصوصی، اندیشه های التقاطی متهم و انحراف در خانواده ها، بزهکاری وی را احراز و با انطباق عمل متهم با ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نامبرده را مفسد فی الارض تشخیص و به اعدام محکوم نموده است. دادنامه صادر شده از شعبه ۲۶ بعد از اعتراض به شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور ارجاع گردید. شعبه مذکور بعد از بررسی پرونده چنین رأی میدهد « رأی » رأی فرجام خواسته قابل تأیید نیست زیرا اولاً: دادگاه با انطباق اعمال متهم با ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم فساد فی الارض وی را احراز نموده و حکم کرده است، درحالی که اقدامات انتصابی به متهم در





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

سال های دهه هشتاد هجری شمسی واقع شده و از اوایل سال ۱۳۹۰ تاکنون متهم در بازداشت بوده و طبق ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ (که حاکم و لازم الاجراء بوده) محکوم کردن متهم به استناد قانون مؤخر التصویب صحیح نبوده است. ثانیاً: در مورد اتهاماتی که می تواند موجب تحقق و احراز عنوان افساد فی الارض شود از قبیل اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق عضویت در گروه چریک های فدائی خلق و ترورهای انجام شده و تهدید افراد و نقش متهم در آنها، پرونده در دادسرا مفتوح اعلام شده و نتیجه نهائی آن معلوم نبوده و ضمیمه پرونده نشده است و با این که متهم به حکایت صفحه ۱۲۳ پرونده (جلد دوم) دارای پرونده های متعدد در شعب مختلف قضائی بوده (آن هم براساس شکایت شاکیان خصوصی و غیره) و تجمیع آنها و بررسی نقش و تأثیر آنها در تحقق عنوان افساد فی الارض، ضرورت داشته، اغلب آنها را رد و مفتوح بوده و نتیجه آن معلوم نبوده و ضمیمه نشده است. و تحقیقات پرونده از این جهت ناقص است. ثالثاً: علی رغم تفهیم اتهام ارتداد و سبّ النبی (ص) به متهم، در صفحه پنج پرونده (جلد دوم) نتیجه و نظر دادسرا و دادگاه ضمیمه نشده و معلوم نیست. رابعاً: با فرض عدم جواز استناد قانونی به ماده ۲۸۶ نون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به لحاظ زمان وقوع اقدامات با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و سایر مواد قانونی مربوط به جرم افساد فی الارض نیز منطبق نمی باشد. خامساً: در صورتی که اقدامات درمانی متهم نسبت به بیماران موجب مشکلات جسمانی و روانی و تشدید بیماریها و جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد و در حدّ گسترده شده، انجام تحقیقات کامل از مجنی علیهم با ذکر جزئیات و نتایج و اخذ نظریه پزشکی قانونی، ضرورت دارد. سادساً: با توجه به لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات و با عنایت به این که جرم محاربه و افساد فی الارض و مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین ذکر شده و مجازات آن نیز بیان شده، ضرورتی به صدور حکم به استناد فتوای مراجع معظم تقلید نبوده است. بنابراین با استناد به بند ۲ قسمت «ب» ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری، دادنامه شماره ۲۶/۱۶/۹۴ - ۹۴/۵/۴ صادر شده از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران را نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد به دادگاه صادر کننده رأی ارجاع می شود.

و اما شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه شهید مقدس بعد از ارجاع پرونده، اقدام به تحقیقات مجدد نمود و درباره اتهام موکل محمد علی طاهری مبنی بر ۱- اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق عضویت در گروه چریک های فدائی خلق و ترور



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

افراد و تهدید آنها ۲- ارتداد و سب النبی صلی الله علیه و آله با عنایت به پرونده و جامع اوراق آنها و نظر به اینکه موکل در تمامی مراحل تحقیق منکر ارتکاب جرایم انتسابی شده و مامورین نیز جهت اثبات ادعای خود دلایل قانع کننده و قانونی ارائه نداده اند مستند به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ منع تعقیب صادر گردید

پرونده به شعبه ۲۶ دادگاه ارسال شد. شعبه مذکور بعد از بررسی طی نامه ای به دادسرا اعلام داشته به موجب بند ۵ از رای دیوان عالی کشور لازم بود چنانچه اقدامات درمانی متهم نسبت به بیماران موجب مشکلات جسمانی و روانی و تشدید بیماری ها و جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد و در حد گسترده شده و انجام تحقیقات کامل از مجنی علیهم با ذکر جزییات و نتایج و اخذ نظریه پزشکی قانونی ضروری است پرونده در این مورد رفع نقص نگردید بر همین منظور به دادسرا ارجاع تا پس از رفع نقص به شعبه ۲۶ ارجاع گردد.

معاونت اطلاعات قرارگاه ثارالله تهران طی نامه ای مورخ ۱۳۹۵/۸/۲ با استناد به گزارش اداره کل پزشکی قانونی که در شعبه جهت بررسی ادعای موکل و معاینه وی حاضر شدند و پس از مصاحبه مفصل با محمد علی طاهری نتیجه آن را به شرح ذیل اعلام نمودند فرادرمانی مدعی استفاده از نیروی ماوراءطبیعی برای درمان بیماری هاست ولی تاکنون دلایل قطعی مبنی بر تاثیر مطلوب این نوع درمان در کنترل و بهبودی بیماری ها به دست نیامده است برای حصول این دلایل، انجام تحقیقات علمی با نظارت و همکاری پزشکان متخصص و در مراکز تحقیقاتی علوم پزشکی ضروری است.

در جایی از گزارش اطلاعات قرارگاه ثارالله آمده است به دلایل مختلف بسیاری از آسیب دیدگان به هیچ عنوان حاضر به حضور در مراکز درمانی به خصوص پزشکی قانونی نمی باشند. هر یک از آسیب ها نیازمند حضور افراد دز مراکز مختلف درمانی، مشاوره ای، قضایی می باشد که این موضوع نیز به دلیل عدم پیگیری شکات و فرسایشی بودن مسیر رسیدگی میسر نمی باشد در انتهای گزارش نیز صراحتاً بیان داشته با وجود ۶ سال از دستگیری و محکومیت طاهری و طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده، بسیاری از آسیب ها با پیگیری آسیب دیدگان و طی نمودن روند درمانی و مشاوره های پزشکی و مذهبی تا حدودی مرتفع شد.

شرح ماوقع



زینب طاهری

شماره پروانه: ۱۸۷۰۴

کانون وکلای دادگستری مرکز



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

آقای محمدعلی طاهری بنیانگذار مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) است که با اخذ مجوز رسمی از وزارت ارشاد، شورای عالی مساجد و سازمان جوانان ریاست جمهوری، وزارت کشور (اداره کل سازمانهای مردم نهاد و مشارکتهای مردمی) و ثبت در اداره ثبت شرکتها و مؤسسات تجاری (پیوست ۱)، اقدام به تأسیس مؤسسه مذکور و برگزاری کلاسهای علمی آموزشی در حوزه عرفان نظری و عملی و تربیت شاگردان متعدد که اکثراً در زمره پزشکان، روانشناسان، روانپزشکان و پژوهشگران حوزه دین و عرفان بوده اند، نموده است. متقاضیان این کلاسها با آزادی اراده و با پرکردن فرم تقاضا نامه، دادن عکس و فتوکپی کارت ملی و پرداخت شهریه در کلاسها حضور داشته اند.

عمده این کلاسها با همکاری دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه طب سنتی ارمنستان و انستیتوی اکو-انرژی جمهوری آذربایجان در داخل و خارج کشور برگزار شد. (پیوست ۲)

از سال ۸۸ اکثریت مربیان مجموعه تحت نظارت مؤسسه خیریه یاس پنهان - که مدیر عامل آن سردار جورکش (از فرماندهان ارشد وقت نیروی انتظامی) و دیگر عضو هیأت مدیره آن سردار علیپور (رئیس پلیس امنیت وقت نیروی انتظامی) بود - قرار داشتند بر اساس ماده ۱۸ اساسنامه خیریه مذکور، مجوز برگزاری کلاس از طرف این مؤسسه به مربیان اعطا شده است و تاکنون نیز لغو نشده است. (پیوست ۳)

ایشان همچنین کتابهایی با مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مقالات متعددی (در جراید کثیرالانتشار) در حوزه عرفان کیهانی (به شرح پیوست ۴) تألیف و منتشر کرده است. در این خصوص جلسات نقد و بررسی و مناظره در دانشگاه شهید بهشتی با حضور حجت الاسلام عابدینی از حوزه علمیه قم با نظارت دفتر نمایندگی ولی فقیه در این دانشگاه نیز برگزار شده است. (پیوست ۵)

متأسفانه در اثر سوء برداشتها و سوء تفاهم های رخ داده، شرایط امنیتی نامناسب و جو کشور بعد از اتفاقات سال ۸۸، نوعی هراس امنیتی از هر نوع تشکل و امکان سوء استفاده بیگانگان از این مراکز به وجود آمد. با پیش فرض ذهنی انحرافی بودن تمامی فعالیتهای عرفانی، وابسته بودن به اجانب، گمراه بودن افراد فعال در این حوزه ها، موکل در تاریخ

۸۹/۱/۲۹ دستگیر شد، پس از چند ماه، در تابستان ۸۹ آزاد و مجدداً در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۹۰ دستگیر و روانه زندان شد. پس از دستگیری مجدد، او جز مدت بسیار کمی



زینب طاهری
شماره پروانه: ۱۸۷۰۴



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

که در مرخصی بوده در تمامی این سالها در زندان و به بهانه تکمیل تحقیقات، غالباً در بند انفرادی تحت نظارت نیروهای امنیتی قرار داشته است.

در خلال این مدت کیفرخواستی به اتهام مداخله در پزشکی، تحصیل مال نامشروع، توهین به مقدسات، استفاده غیرمجاز از عناوین علمی، توزیع آثار سمعی و بصری غیر مجاز و افساد فی الارض، علیه او صادر و به دادگاه ارسال شد.

دادگاه بدوی در مورد سایر اتهامات غیر از افساد فی الارض مبادرت به صدور حکم به پنج سال حبس و جزای نقدی نمود و در خصوص اتهام افساد فی الارض با اعلام نقص در تحقیقات، پرونده به دادسرا ارسال شد.

دادسرا بدون رفع کردن نقائص مورد توجه دادگاه با بهانه محال و خارق عادت بودن تقاضای مذکور بدون تمکین از دستور دادگاه، پرونده را مجدداً به شعبه ۲۶ ارسال نمود. با تغییر قاضی شعبه بدوی و اعمال فشار قرارگاه ثارالله، متأسفانه این رأی که بر خلاف موازین حقوقی، عرف و رویه معمول دادرسی در نگارش آراء و کاملاً غیر قانونی و ناعادلانه است صادر و ابلاغ شد که در نهایت در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور منجر به صدور رأی مبنی بر نقض حکم اعدام شد و در خصوص بخش های دیگر منجر به دستور مبنی بر رفع نقص گردید که نهایتاً در خصوص اتهامات سب النبی و ارتداد و اقدام علیه امنیت ملی و اجتماع و تبانی بر علیه نظام منتهی به قرار منع تعقیب گردید.

پیش از ورود به مبانی فکری و اعتقادی آقای طاهری ضمن تاکید بر مسلمان و شیعه بودن موکل موارد ذیل باستحضار می رساند:

۱- مهمترین ایراد شکلی وارد بر فرآیند دادرسی، تکمیل نبودن کیفرخواست و تحقیقات انجام شده و خودداری از تکمیل آن است.

۱-۲- پیگیری نکردن دادگاه برای تکمیل تحقیقات و کیفرخواست -

ریاست وقت شعبه ۲۶ (آقای پیرعباسی) با نقص گرفتن کیفرخواست و اعاده آن به دادسرا اعلام میدارد: "شعاع کار و فعالیت متهم چقدر بوده، از لحاظ جمعیت و جغرافیا و حیطه فعالیت و تأثیرات شریعتی، امکان حمایت سرویس های بیگانه..."



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

دادسرا پس از طی یکسال بررسی اعلام میدارد، "رفع بعضی از نقائص اعلامی اگر محال نباشد، در حد خارق عادت است، مثلاً برای حالات روانی ۱۰۰ نفر از شاگردان محمدعلی طاهری قبل و بعد از تعلیمات وی، امکان وقوع ندارد و ... در مورد میزان شعاع فعالیت تا پایان سال ۸۹ در سطح کشور، ۵۰،۰۰۰ نفر دوره های فرقه را گذرانیده و بعنوان مستر مشغول فعالیت هستند.

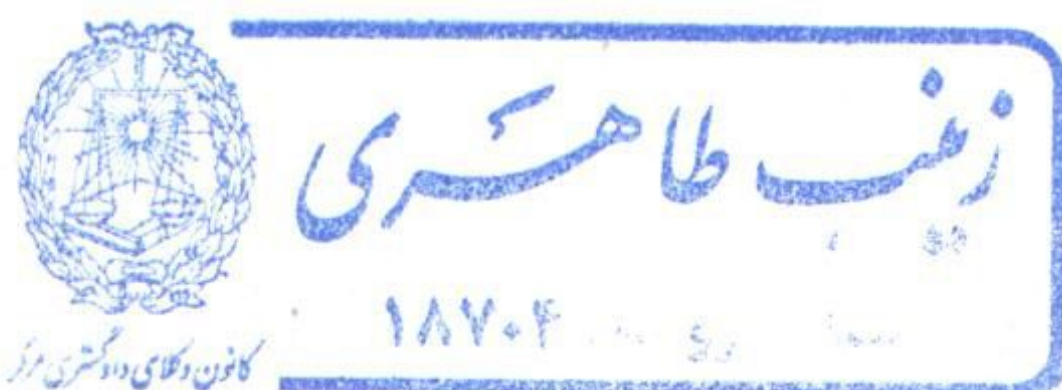
در حالی که مطابق ماده ۲۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری، دادسرا مکلف به تکمیل تحقیقات بوده است و می بایست در صورت ابهام یا سؤال، استعلام می کرد.

۱-۲- خودداری دادگاه از تکمیل تحقیقات رأساً

به استناد ماده ۳۴۱ همین قانون ((هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یکماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادسرای مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات میکند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده بهطور مستقیم در دادگاه مطرح میشود، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد.)) همچنین مستنبط از مفاد ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ((دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام میدهد.))

ضمناً در خصوص متهم، پرونده شخصیت تشکیل نشده است و از این لحاظ نیز کیفرخواست صادره ناقص بوده است و دادگاه محترم با وصف اینکه در زمان رسیدگی ملزم به اجرای مقررات جدید آیین دادرسی کیفری می بایست باشد، از تکالیف مقرر در این خصوص نیز استتکاف می کند. (بند چ ماده ۲۷۹ قانون آ.د.ک)

بنابراین همانگونه که اشارت شد، نه دادگاه و نه دادسرا هیچ یک به وظایف قانونی خود در این خصوص عمل نکرده اند و در نتیجه تحقیقات و رسیدگی انجام شده مخدوش و فاقد اعتبار است.





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

۲-۲- ایرادات وارد بر شیوه و فرآیند دادرسی در مرحله تحقیقات و بازجویی-

۲-۲-۱

الف - ضرب و جرح :

وی در سطر سیزدهم صفحه هفتم لایحه دست نویس در خصوص اخذ اقرارنامه با زور و تهدید و اعمال شکنجه نسبت به خودش و برخی از شاگردان موسسه اظهار کرده است: ((اینجانب چندین نفر را شخصاً شاهد بوده ام و در یک مورد که کارشناس بر خانمی فریاد می زد تا آنچه را می گویم ، ننویسی از اینجا بیرون نمی روی ، همزمان لگد محکمی را به سمت راست ران من که به روی صندلی رو به دیوار نشسته بودم زد به طوری که با صندلی به سمت دیوار سمت چپ خود پرتاب شدم و ناخن شست پای چپم به دیوار اصابت و بلند شد که بعداً در بیمارستان بقیه الله مجبور به کشیدن آن شدیم...))

ب- فشار روحی و وعده دروغین دائر بر تخفیف مجازات برای تهیه فیلم اعتراف:

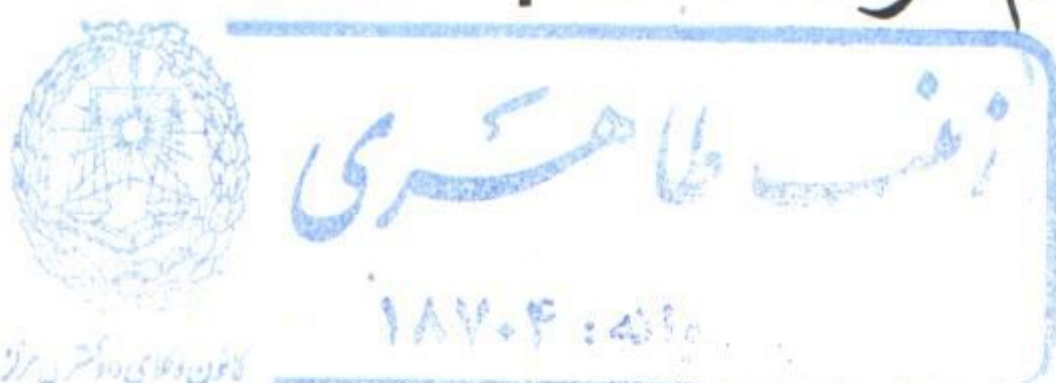
در سطر چهارم تا هشتم از صفحه هشت لایحه دست نویس اشاره شده ((..من که مایل به حل و فصل مسالمت آمیز این جریان بودم، (علی رغم برخوردهای غیر قانونی بازپرس و کارشناسان) پذیرفتم و مصاحبه نموده و در آن اقرار فرمایشی و دیکته شده را که بازپرس نوشته و مقابل من می گرفت خوانده ، اقرار نموده و می پذیرفتم در کیفرخواست به این مصاحبه و اقرار آن نیز به عنوان اعتراف علیه خود مورد استناد قرار گرفت...))

ج- عدم توجه به درخواستهای موکل برای رهایی از شکنجه:

در سطر نهم از صفحه هشت لایحه ... ((..بازپرس (آقای اسدی) در جریان روند بازپرسی مرتکب تخلفات و جرایم به شرح زیر شدند که از حدود سه سال و نیم قبل از ایشان و کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه شکایت نموده ام که تا کنون علی رغم بارها اعتصاب غذا ، مکاتبه و مطرح کردن در دادگاه بدوی سال ۹۰ و ۹۴ مورد رسیدگی قرار نگرفت(پیوست ۷)

د- اعمال شکنجه روحی از طریق ارائه مدارک و آرای جعلی مبنی بر صدور فتوی اجازه اعدام-

موکل در سطر دهم از صفحه هشت لایحه دست نویس تقدیمی به دادگاه اعلام کرده است:





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

- اعمال شکنجه روحی از طریق ارایه مدارک جعلی مبنی بر صدور پانزده حکم اعدام از سوی پانزده تن از مراجع محترم تقلید.... بازجوها نیز مدام می گفتند که برای اعدام آماده باشم

ه- اعمال شکنجه و فشار روحی برای متقاعد کردن موکل به پذیرش اتهام ارتباط با آمریکا

- با طرح استفتای متقلبانه مبادرت به بازداشت موقت من نموده و سپس با اختفای آنها و ارایه احکام جعلی اعدام با همدستی کارشناسان و صحنه سازی ها و مانورهای متقلبانه، مرا به مدت چندین ماه تحت شکنجه روحی قرار داده تا بتوانند در مرحله اول مجبور به قبول و اعتراف به اتهامات فوق الذکر نمایند.... در مرحله دوم ارایه پیشنهاد قبول و اعتراف کذب به داشتن ارتباط با آمریکا... (سطر ۲۱ و ۲۲ صفحه ۸ لایحه دست نویس موکل)

و- تهدید به آسیب رساندن به همسر

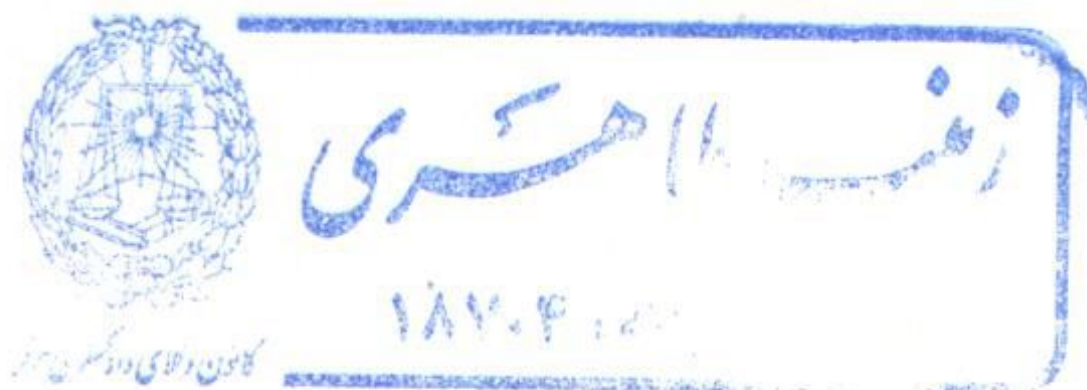
در مرحله بعد پس از پیاده شدن این موارد توسط کارشناسان، تهدید مبنی بر صدمه رسانیدن به همسر و بی سرپرست شدن فرزندانم، (در سطر ۲۲ از صفحه هشت لایحه دست نویس موکل)

ز- فشار روانی و آسیب به همسر موکل برای ضبط فیلم مصاحبه و اخذ اعتراف

- آقای طاهری در سطر نخست از صفحه یازدهم لایحه دست نویس اظهار کرده اند... مجددا اعلام می کنم مصاحبه دیکته شده تیرماه نود اینجانب و اعترافات کذب اخذ شده از همسر مبنی بر دریافت پول از شاگردانم (که اساسا جرم نیست) که با اعمال فشار و ضربه به سر ایشان به نام ماموران وزارت اطلاعات اخذ شده.... از درجه اعتبار ساقط و وجاهت قانونی ندارد..

در صفحه نهم و سطر اول لایحه دست نویس موکل... ((... اعلام می کنم فیلم مصاحبه فوقالذکر که در کیفرخواست به عنوان اعتراف علیه خود به آن استناد شده، به دلیل اعمال فشار و شکنجه روحی، اغوا و فریب و... بوده و هیچ گونه ارزش و اعتبار قانونی ندارد...))

متأسفانه در تمامی این موارد بندهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ رعایت نشده است.





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

با توجه به موارد فوق الاشاره ، مستنداً به ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می دارد: «در بازجویی ها اجبار یا اکراه متهم ، استفاده از کلمات موهن ، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده ، و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است معتبر نیست .» و نظر به این که طبق ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری ، گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود. بنابراین این اظهارات و تحقیقات کلا فاقد اعتبار و بی ارزش است .

۳-۲-۲- جلوگیری از استفاده از وکیل در مرحله تحقیقات

از ابتدای دستگیری موکل تا انتهای رسیدگی اجازه ملاقات با وی داده نشده و تنها یک بار آنهم در جلسه دادگاه وکلایش را ملاقات نموده است در حالی که طبق مواد ۵ و ۴۸ و ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ داشتن و ملاقات وکیل حق متهم است و طبق تبصره ۱ ماده ۱۹۰ ، سلب این حق موجب بی اعتباری تحقیقات می شود . علاوه بر این بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ بر این موضوع صراحت دارد و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ بر مجازات متخلفان تأکید دارد.

۴-۲-۲- ضبط مدارک و مستندات موکل و جلوگیری از دسترسی به آنها

حسب اظهارات موکل ، تمامی مدارک و مستندات موکل در دفتر و منزلش ضبط و اجازه دسترسی به آنها از وی گرفته شده است . طبق سطر ۲۹ تا آخر صفحه ۹ و از سطر ۱ تا ۱۲ صفحه ۱۰ لایحه دستنویس موکل ، «کلیه اسناد و مدارک مربوط به سوابق تحصیلی و کاری ، نظام وظیفه و ... حواله های بورس تحصیلی ، مدارک مربوط به ثبت مؤسسه و جوایز و قراردادهای و غیره را بدون دادن هر گونه رسید ضبط کردند و حاضر به استرداد یا دادن رسید نشدند و من ، خانواده و وکلایم هیچ گونه مدرکی برای اثبات قانونی بودن فعالیت مؤسسه ، چاپ کتاب و غیره در جهت اثبات فرقه نبودن و سایر سوابق کاری و تحصیلی و ... در اختیار نداریم »

در حالی که این مدارک یا مرتبط با جرم بوده اند یا نبوده اند و در هر دو صورت طبق مواد ۱۴۶ ، ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری می بایست در صورت جلسه قید می شدند ، اگر



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:

شماره:

پیوست:

مدرک جرم بودند باید در لفاف نگهداری می شدند و اگر نبود مسترد می شد. اما به هر حال می بایست رسید آنها داده می شد و تعیین تکلیف می شدند.

۵-۲-۲- ضمیمه نکردن مستندات پرونده

بازجویان و دادرسان بر خلاف شیوه معمول دادرسی و قانون، از ضمیمه نمودن برگه های بازجویی و مدارک و مستندات پرونده خودداری نموده اند و به صراحت در بخش پایانی رأی آمده است که «مجموع عملکرد متهم، در بحث افساد فی الارض در کیفرخواست از سوی دادرسان تنظیم شده و در آرشیو قرارگاه ثارالله تهران نگهداری می شود و به لحاظ گستردگی مستندات مزبور قابل انتقال به دادگاه نبوده و به طور حضوری ملاحظه و مشاهده گردید و قضات محترم و فرهیخته چنانچه در مورد مستندات متهم نظر خاصی داشته باشند با هماهنگی با مرجع مربوطه قابل رؤیت خواهد بود !!!». در حالی که بر اساس مواد ۵۳ و ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری باید طول مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و سایر موارد ذکر شود و به امضای متهم برسد و طبق ماده ۵۹ همین قانون «ضابطان دادگستری مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره گذاری نمایند، در صورت مجلسی که برای مقام قضائی ارسال می کنند تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند» و این مواد به خوبی آشکار می سازد که مدارک پرونده باید در آن بدون هرگونه دخل و تصرف ثبت و ضبط شوند. چگونه می توان بر اساس صورتجلسات و مدارکی که در پرونده نیست رأی صادر کرد؟ حق متهم برای دفاع از خودش در کجا قرار دارد؟ از کجا معلوم است که در اظهارات اخذ شده و مدارک موجود دخل و تصرف نشده باشد؟! چطور ممکن است که فقط به قضات حق دیدن آن مدارک را داد و متهم و وکیلش حق رؤیت و دسترسی نداشته باشند!!!!

۶-۲-۲- در اختیار دادگاه قرار ندادن نوشته موکل در پاسخ به کتاب افسون حلقه

موکل در سطر ۲۳ صفحه ۹ از لایحه دستنویسش اعلام می کند که جوابیه کتاب افسون حلقه را در ۲۰۰ صفحه ریزنویس آ ۴، تحت عنوان حلقه افسون و افسانه نیست، به همراه ۵۰ صفحه مستندات قرآنی و روایی، در زندان تحریر و در سال ۹۱ به بازجوی پرونده جهت تحویل دادن به وکیل و قرار گرفتن در مدارک و مستندات پرونده داده است، اما کارشناس جوابیه را پس از مطالعه، توقیف و از تحویل آن به ما یا قرار دادن در پرونده خودداری کرده است.



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

۷-۲-۲-نسبت دادن اظهارات خلاف واقع و تقطیع گزینشی مطالب منتسب به موکل و اخذ فتوی بر این اساس:

موکل بارها اظهار و اعلام کرده که صرفاً مطالبی که در کتابهای رسمی منتشر شده از ایشان و نیز مقالات چاپ شده او در نشریات، مورد تایید وی بوده و سایر مطالب و نوشته ها که به صورت غیر رسمی از سوی اشخاص دیگر منتشر شده و یا از دیگران یافت شده مورد تایید وی نیست. ظاهراً در اخذ فتاوی از مراجع تقلید نیز در این خصوص به شیوه ای عمل شده که اولاً مستندات استفتاء، مطالبی بوده که از قلم و ذهن و اندیشه موکل صادر نشده و ثانیاً با پیش فرض ذهنی پرسشگر مواردی تقطیع و استفتاء شده که حکم آن از پیش معلوم می نماید و در حال حاضر نیز برخی از همان مراجع محترم که فتوای ایشان مستند رای قرار گرفته نسبت به اخذ استفتاء با این شیوه اعلام نکول از نظر قبلی کرده و فتوای اصلاحی صادر کرده اند که در جای خود به این موضوع اشاره خواهد شد.

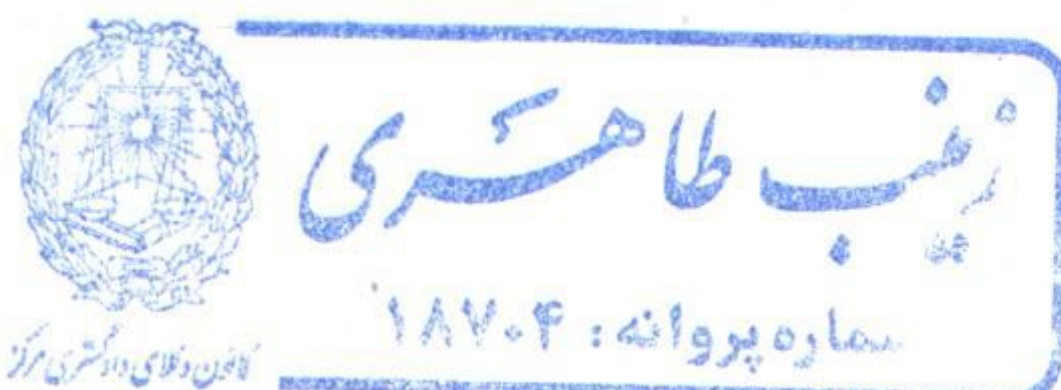
موکل (آقای طاهری) در صفحه نهم و سطر ششم از لایحه در خصوص فایل نوشتاری مربوط به خانم نیرو منش (به نام جلسه عرفان، کمیته عرفان و...) اظهار کرده اند:

((..من هرگز جلسه، کمیته یا شورای عرفان در هیچ کجا نداشته ام و این نامها جعلی است... ثانیاً در سال ۸۹ مدتی را که در زندان بودم (۶۷ روز) اصلاً راجع به وجود چنین فایلی و موضوعات آن سوال مطرح نشده و تا دو سه ماه به زندان آمدن من هم همینطور..))

در سطر نوزدهم صفحه نهم لایحه دست نویس موکل می افزاید: «..منابع معتبر و قابل استناد که اینجانب آنها را قبول دارم عبارتند از: کتب منتشر شده قانونی اینجانب (انسان از منظر دیگر، عرفان کیهانی (حلقه)، بینش انسان) - حدود هفتاد مقاله چاپ شده در روزنامه ها - چندین ویژه نامه عرفان حلقه - فیلمهای کلاس های موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه و... به شرطی که ناقص و بریده نباشد... بنابراین سایر منابع اعم از جزوه (خانم نیرو منش) به ادعای کارشناسان و یا هر نوع جزوه دیگری، فایلهای صوتی و... معتبر نبوده و قابل استناد نمی باشد..»

در ادامه ایشان به عدم توجه به پاسخ به کتاب افسون به حلقه که در دویست صفحه دست نویس نوشته بودند، اشاره کرده اند.

۸-۲-۲- تحریک شاگردان موکل برای آشوب و درگیری با آنها و ارائه تصاویر مربوط به عنوان مستند:





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

موکل به موجب اعلامیه ها و اطلاعیه ها و مکتوبات خود بارها از تحرکات و اعتراضهایی که عده ای از اشخاص به عنوان هواداری از ایشان انجام داده و می دهند تبری جسته است. اما متأسفانه فرایند رسیدگی و نوع عملکرد بازجویان پرونده به گونه ای بوده که موجب تحریک احساسات و عواطف شاگردان ایشان شده که از این موضوع سوء استفاده نیز شده و در رای اصداری به عنوان یکی از جهات موضوعی حکم یاد شده است. هنگامی که هنوز حکمی صادر نشده اما در خروجی خبرگزاری های وابسته به برخی جریانهای خاص و نیز صدا و سیمای جمهوری اسلامی آنهم در ماه مبارک رمضان، اخبار مربوط به صدور حکم اعدام موکل گذاشته می شود و چندین و چند بار تکذیبیه و تاییدیه در این خصوص از سوی مقامات قضایی صادر می گردد و با عواطف و احساسات شاگردان وی بازی می شود، بدیهی است واکنشهایی نیز سر زده می شود که البته همین واکنشها که برخاسته از احساسات زلال و بی آرایش انسانی است، مورد تایید موکل نبوده و در هر حال خانواده موکل و شخص ایشان، اشخاص را دعوت به آرامش کرده اند. (پیوست ۸) اما متأسفانه همین تحصنهایی که هیچ ارتباطی به موکل ندارد و او در زندان انفرادی نقشی در آن نداشته، توسط بازجویان فیلمبرداری شده و دادگاه به آن به عنوان مستند اشاره کرده است.

۳- شخصیت شناسی موکل-

۳-۱-۱- سوابق علمی و پژوهشی موکل در دوران جوانی:

بر خلاف اظهارات کارشناسان پرونده، موکل فردی تیزهوش بوده که در هر حوزه ای ورود پیدا کرده، سرآمد گردیده و موفقیت های چشمگیری داشته است، ایشان در سالهای ۵۵ و ۵۶ بعنوان نفر اول، اولین و دومین مسابقات علمی سراسری ایران انتخاب و جایزه خود را که شامل حواله بورس تحصیلی خارج از کشور بوده است از نخست وزیران وقت هویدا و آموزگار در کاخ نخست وزیری دریافت میکند ولیکن بعلمت اینکه بعداً متوجه میشود که نیروهای امنیتی انتظار دارند هر شش ماه یکبار از ایرانیان محل تحصیل خود در خارج از کشور گزارشی ارائه نماید، از بورس های تحصیلی جایزه خود استفاده نمیکند و چون بطور همزمان از طرف دانشگاه جدیدالتأسیس علوم و فنون نیز به او بورس تحصیلی پیشنهاد میشود، آنرا پذیرفته و وارد این دانشگاه میشود. ایشان می بایست برای انجام چنین حرکتی در سن جوانی، بعد از انقلاب مورد تفقد قرار میگرفت ولی چون موکل این عمل را وظیفه



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

وجدانی خود میدانسته، هیچ چشم داشتی از این بابت نداشته است. ایشان در جهت تحقق انقلاب، نهایت تلاش و مجاهدت خود را بعمل آورده است. (پیوست ۹)

۳-۱-۲- مبارزات موکل در دوران ستمشاهی و دوران جنگ تحمیلی:

موکل از کسانی بوده است که از میدان ژاله سابق در روز ۱۷ شهریور، بطرز معجزه آسائی جان سالم بدر برده است. بعد از انقلاب نیز با شروع جنگ در زمینه تیربارهای انفرادی طرح هایی را به وزرات دفاع ارائه میدهد و مدت یکی دو سال نیز به بهانه های مختلف مانند گزینش و اینکه طرح تا عمل فاصله زیادی دارد او را پشت در نگه میدارند تا اینکه بخاطر علاقه به خودکفایی مملکت، شخصاً طرح ها را اجرا و با در دست داشتن نمونه اجرا شده مراجعه و مجدداً با عدم همکاری مواجه میشود. سرانجام با یک قبضه تیربار دستی اجرا شده به ملاقات آقای هاشمی رفسنجانی در جماران رفته و ایشان پس از بررسی موضوع با فرمانده وقت جنگ هماهنگی نمودند تا در صنایع جنگ افزارسازی، نمونه ها آماده و به تأیید نیروهای مسلح برسند که این کار انجام میشود (پیوست ۱۰) و پس از چند سال فعالیت موکل در این زمینه از آنجا که تحصیلات او با انقلاب متوقف میگردد استعفا داده، جهت ادامه تحصیل به دانشگاه آمریکایی خاورمیانه ترکیه عزیمت و در آنجا طی یک درگیری سیاسی با استاد خود، کمیته انضباطی او را از فارغ التحصیلی محروم و ایشان نیز به ایران بازگشته و مشغول به کار آزاد در زمینه ساختمان سازی، ماشین آلات صنعتی، کارخانه آرد، قارچ، خوراک دام و ... شد و در ضمن بدنبال فرصتی بوده که به دنبال حل و فصل مشکل تحصیلی و دریافت مدرک خود برود اما بعلت اشتغال زیاد و دوم عدم احساس نیاز خیلی جدی به آن، مقدور نمیشود.

۳-۱-۳- شروع تحقیقات و فعالیت موکل در زمینه عرفان کیهانی و یافته های وی در این خصوص:

موکل طی چند دهه تحقیق و بررسی و ملاقات با اساتید رشته های مختلف عرفان، فلسفه، دین، پزشکی، روانشناسی و روانپزشکی و ... به حجت قلبی رسیده که یافته های او ارزش نظری و عملی داشته و رحمانی می باشند. بنابراین با تکیه بر قانون اساسی و توصیه مقام معظم رهبری مبنی بر حمایت از آزادی اندیشه و کرسی های آزاد اندیشی و نظریه پردازی و در چارچوب قوانین جاری جمهوری اسلامی ایران با اخذ مجوز رسمی از وزارت ارشاد، شورای عالی مساجد و سازمان جوانان ریاست جمهوری، وزارت کشور (اداره کل

سازمانهای مردم نهاد و مشارکتهای مردمی) و ثبت در اداره ثبت شرکتها و مؤسسات



۱۸۷۰۴



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:

شماره:

پیوست:

تجاری (پیوست ۱)، اقدام به تأسیس مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) و برگزاری کلاسهای علنی آموزشی در حوزه عرفان نظری و عملی و تربیت شاگردان متعدد که اکثراً در زمره پزشکان، روانشناسان، روانپزشکان و پژوهشگران حوزه دین و عرفان بوده اند، نموده است. متقاضیان این کلاسها با آزادی اراده و با پرکردن فرم تقاضا نامه، دادن عکس و فتوکپی کارت ملی و پرداخت شهریه در کلاسها حضور داشته اند.

ایشان کتابها و مقالات متعددی در حوزه عرفان کیهانی به شرح پیوست ۴ تألیف و منتشر کرده است و در این خصوص جلسات نقد و بررسی و مناظره نیز برگزار شده است.

۴-۱-۳- جوایز علمی و تقدیر نامه های بین المللی موکل:

موکل مفتخر به دریافت ایزوهای آموزشی بین المللی از آلمان، سوئیس و انگلستان شده است (پیوست ۱۱) و سپس درمان های عرفانی (از زیرمجموعه های عرفان حلقه) به نام های «فرادمانی» و «سایمنتولوژی» را به جامعه پزشکی و روانپزشکی معرفی کرده است.

همچنین ایشان آزمایشهای علمی تحت کنترل در برخی بیمارستانها از جمله تأثیر بر روی بیماران برونشکتازی کاندید پیوند ریه در بیمارستان مسیح دانشوری (پیوست ۱۲) تأثیر بر روی کاهش درد از طریق آزمایش کورتیزول خون در بیمارستان امام خمینی (پیوست ۱۳)، آزمایش بر روی آسم در دانشگاه شاهد در قالب پایان نامه دکتر (پیوست ۱۴) انجام داده است. شرکت در سمینار بین المللی در مورد بیماری اسکیزوفرنی (پیوست ۱۵) تأثیر بر ترک اعتیاد با همکاری موسسه خیریه بهشت یاس پنهان (با مدیریت سردار جورکش، سردار علیپور - سرهنگ جعفری) و ... از دیگر اقدامات موکل بوده است.

نتایج حاصله از کلیه آزمایشات علمی فوق، بسیار خارق العاده بوده است و از آنجا که طب های عرفانی و مکمل (که صد در صد ایرانی هستند) از هیچگونه دارو و معاینه ای استفاده نکرده و تداخل در امر دارو و درمان رایج نمیکند و بطور عمده در مورد کسانی استفاده میشود که درمانهای رایج در مورد آنها مؤثر نبوده است و از طرفی دیگر (بر طبق تعریف) وابسته به شعور و رحمت عام الهی می باشد و چون فقط خداوند شافی است (نه شیطان) بنابراین در سطحی گسترده، افرادی که از پزشکی رایج نتیجه ای نگرفته اند با استفاده از طب های مکمل ایرانی فوق به نتایج شگفت انگیزی رسیدند که موجب استقبال بسیار زیادی از جانب افراد مختلف اعم از پزشکان، روانشناسان، روانپزشکان و کادرهای درمانی و اقشار مختلف گردید تا با این رشته ها آشنا شوند. (گزارش برخی از نتایج حاصله



کانون وکلای دادگستری مرکز

شماره پروانه: ۱۸۷۰۴



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:

شماره:

پیوست:

در بیست شماره مجله های طب مکمل و دانش پزشکی منتشر گردیده است)، در همین رابطه با آموزش های آزاد دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه طب سنتی ارمنستان نیز تفاهم نامه های همکاری بین مراکز دانشگاهی فوق الذکر و موسسه منعقد و دوره های آموزشی برقرار شده و گواهی نامه های مربوطه نیز صادر میگردد و در سمینارهای مختلف شرکت و نتایج حاصله از تحقیقات و آزمایشات ارائه میشود و همچنین با وزارت بهداشت وارد مذاکراتی جهت انجام آزمایشات علمی بر روی آسم شده تا تحت کنترل آنها نتایج مورد بررسی قرار بگیرد که با دستگیری موکل ابتر باقی می ماند.

-موکل همچنین در عرصه جهانی ضمن ارائه عرفان حلقه در کشورهای مختلف و گسترش آن از طریق مربی های این رشته در عرصه مسابقات علمی بین المللی نیز فعالیت چشمگیری داشته و با کسب رتبه های نخست مسابقات موفق به اخذ هفت مدرک دکترای افتخاری از شرق و غرب شده (دو دکترای افتخاری را نیز با ارائه تر دریافت کرده است)، (بنابراین ایشان جمعاً ۹ دکترای افتخاری دریافت نموده اند) همچنین ۴ مدال طلا از جمله اولین مدال طلای علمی افسر اتحادیه اروپا به نام جمهوری اسلامی ایران، کسب یک مدال نقره، دو مدال برنز، کاپها، لوح های ویژه و ... کسب کرده اند. (پیوست ۱۶)

۳-۱-۵- مبانی اعتقادی موکل بر اساس پروژه نیروی انتظامی :

نیروی انتظامی اقدام به انجام مطالعه علمی اجتماعی درباره عرفان حلقه، تحت عنوان یک پروژه نموده که مسئولیت انجام این پروژه بعهده یکی از افسران متدین عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی قرار گرفته است (پیوست ۱۷) مطابق این تحقیق، آقای محمدعلی طاهری به نظام و انقلاب و ولایت فقیه معتقد و نسبت به آنها متعهد است. مشارالیه دیدگاههای خود را با آیت الله العظمی مفتحی شیعیه و آیت الله دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و اساتید بسیار دیگری مطرح کرده و مشارالیه ها هیچگونه انحرافی را گوشزد و هیچگونه انحرافی را مشاهده نکردند و مناظره علمی هم در دانشگاه شهید بهشتی با حجت الاسلام دکتر عابدینی داشته است.

وی ائمه علیه السلام را علائم الطریق و آنها را بهترین دعوت کننده به پیام آسمانی "لا اله الا الله" میداند. وی فلسفه حجاب را پرهیز از خودنمایی دانسته و انسان بدون شریعت را انسانی سرگشته، بی هدف و در کثرت میداند و روح عبادت را مهمتر از ظاهر آن میداند. طلسم را نوعی تشعشع شعوری منفی تلقی نموده که راه خلاصی از آن استمداد از رحمت الهی است و جن را موجودات غیر ارگانیکی و نامرئی میداند که میتوانند در ذهن انسان نفوذ کنند که



زینب طاهری

شماره پروانه: ۱۸۷۰۴



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

باید از شر آن با توسل به خداوند خلاص شد و مداخله این موجود در مدیریت ذهن انسان میتواند عامل بیماریهای ذهنی باشد (الذی یوسوس فی صُدُور النَّاسِ ۵ مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ ۶ ناس).

و امام زمان (عج) را منجی عهد آخر میداند که ظهور میفرمایند تا آخرین ناگفته ها و اسرار الهی را برای بشر مطرح و بشریت را از جهل و گمراهی و جنگ و ستیز و ... نجات دهد.

اصول عرفان کیهانی (حلقه) عبارت است از:

الف- اصل لا اله الا الله

ب- اصل لا حول ولا قوة الا بالله

ج- اصل ایاک نعبد و ایاک نستعین، فاستقیموا الیه و اجتناب از من دون الله

د- تسلیم در برابر خدا

ه- امامان علیهم السلام علائم طریق هستند که از پیام الهی رمزگشایی میکنند.

۴- همکاری های موکل با جریان قضایی

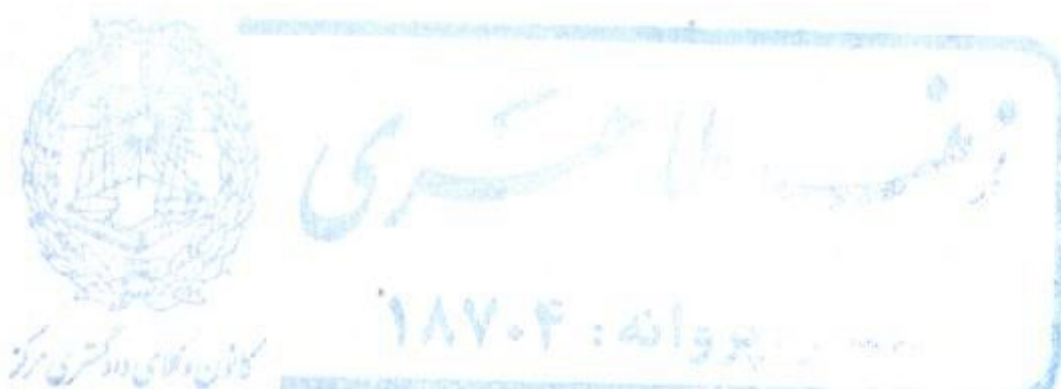
موکل با حسن نیت در طول جریان رسیدگی و در اظهارات شفاهی و کتبی متعدد مضبوط در پرونده و نیز اطلاعیه ها و اعلامیه هایی که پس از دستگیری صادر کرده است، به صراحت اعلام کرده اند که دیگر قصد فعالیت در زمینه عرفان حلقه را ندارند که متأسفانه به این موارد دادگاه رسیدگی کننده توجهی نداشته اند که این موارد به شرح زیر است:

الف- عدم توجه به اظهارات آقای محمد علی طاهری در خصوص بازپس گیری نظریات :

آقای طاهری در در سطر بیست و ششم صفحه نخست لایحه دفاعیه اعلام کرده است:

((..اینجانب حاضر به پس گرفتن همه گفته ها ، نظریه ها و تعالیم خود هستم و...))

ب- عدم توجه به اظهارات ایشان در خصوص عدم تمایل به فعالیت در زمینه عرفان حلقه و تعطیلی و توقف کلاسها:





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

آقای طاهری در سطر نوزدهم صفحه نخست لایحه مقرر داشته است: ((..از آنجا که اینجانب دیگر هرگز تمایلی به ادامه فعالیت در زمینه عرفان حلقه را نداشته و حاضر به فدا کردن مصالح خانوادگی خود در قبال اندیشه ام نیستم آمادگی خود را در جهت کمک به تعطیلی و توقف فعالیت در زمینه عرفان حلقه را به هر نحو ممکن اعلام می کنم ...))

.... در سطر بیست و چهارم صفحه هفت لایحه دست نویس اعلام کرده اند... ((..در اردیبهشت ماه ۹۰ در برگه های بازپرسی مکتوب کرده ام که هرگونه فعالیت دیگران در مورد عرفان حلقه به هر نحو ، از این به بعد هیچ گونه ارتباطی به اینجانب ندارد، زیرا در این زمینه فعالیتی نخواهم داشت(همچنین در مصاحبه تیرماه ۹۰ و اعلام کتبی به دفعات برای کارشناسان لازم به ذکر است کلاسهای موسسه از دو سال قبل از دستگیری ام (۸۹/۱/۲۹) به علت شلوغی ، ازدحام و نبود محل پارک و شکایت همسایگان از این بابت جهت رفع مزاحمت برای همسایگان توسط خودم تعطیل شد و بعدا نیز موسسه فرهنگی عرفان کیهانی حلقه با صدور حکم دادگاه به صورت قانونی منحل گردید. بنابراین از تاریخ حبس ، طبیعتا هیچ گونه فعالیتی به من ارتباطی نداشته و از این بابت مسوولیتی متوجه من نخواهد بود و همانطور که توضیح دادم، هیچ گونه تمایلی نیز برای ادامه فعالیت در این زمینه را هرگز ندارم...))

-در آخرین سطر از صفحه بیست و ششم لایحه ((...اینک اینجانب آمادگی خود را جهت هرگونه کمک و همکاری با صلاحدید حضرتعالی در جهت تعطیلی فعالیت عرفان حلقه را اعلام می کنم....))

ج--عدم توجه به اظهارات آقای محمد علی طاهری در خصوص توبه :

ایشان در سطر هفدهم صفحه نخست لایحه دفاعیه شان اظهار می دارند((...و در مرحله بعد اگر در حقیقت اعتقاد اینجانب نسبت به اسلام و شیعه کماکان شکی وجود داشته باشد، در پیشگاه خداوند متعال نسبت به هرگونه خطا و قصوری توبه نموده و از درگاه او طلب استغفار می کنم ...))

باستناد ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته ((در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید.)) می بایست هم دادر را و هم



زینب طاهری
شماره پروانه: ۱۸۷۰۴
کانون وکلای دادگستری مرکز



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

دادگاه محترم به اظهارات ایشان توجه می کرده و توبه ایشان را می پذیرفتند که متأسفانه در این خصوص موازین مربوطه رعایت نشده است.

د- عدم توجه به مفاد پرونده نیروی انتظامی:

به استناد ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ((... بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام میکند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است...)) با وجود آنکه از سوی در آخرین جلسه رسیدگی و در مقام بیان آخرین دفاع به مفاد پرونده نیروی انتظامی در خصوص وضعیت موکل و آموزه های وی و مبانی اعتقادی ایشان اشاره شده است اما متأسفانه دادگاه محترم به این موضوع هیچ ترتیب اثری نداده است.

همان گونه که گفته شد نیروی انتظامی اقدام به انجام مطالعه علمی-اجتماعی درباره عرفان حلقه، تحت عنوان یک پروژه نموده که مسئولیت انجام این پروژه بعهده یکی از افسران متدین عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی قرار گرفته است (پیوست ۱۷) هدف پروژه، عبارت بوده است از:

بررسی کارشناسی و منطقی، فلسفی، سیاسی و امنیتی عرفان حلقه با حضور اساتید برجسته دانشگاهی، مذهبی، سیاسی و امنیتی کشور به جهت ارائه یک راهکار مناسب جهت حل بدون تنش فعالیتهای عرفان حلقه و چگونگی برخورد با عرفانهای کاذب و ارائه راه حل مناسب به جهت انجام وظیفه پلیس اطلاعات و دستگاه امنیتی با حداقل هزینه ها، جلوگیری از هرز رفتن نیروی پلیس در برخورد با عرفانها و نحوه جلوگیری از تحرکات آتی عرفانها پس از تعطیلی کلاسها و چگونگی آماده ساختن جوانان پس از تأیید و یاد این عرفان و سایر عرفانهای دیگر توسط رسانه ملی و پلیس، بازخوردهای داخلی، امنیتی، سیاسی و بین المللی پس از برخورد با طرفداران عرفان حلقه و سایر عرفانها و تنشهای حاصله به موجب این تحقیق که بخشهایی از آن نیز در سطور بالا تر لایحه حاضر با عنوان شخصیت شناسی موکل و مبانی اعتقادی وی آمده است بر اعتقاد وی به نظام اسلامی و ولایت فقیه و عدم انحراف ایشان از آموزه ها و احکام اسلامی و نیز اعتقاد و التزام وی به اصول و فروع دین و امام عصر و... اشاره شده است.

و در نهایت این تحقیق اشاره دارد به اینکه مافیای دارو، مافیای مواد مخدر، جریانهای فکری و ارداتی، جریانهای مخالف نظام (که مایلند جمعیتی غیر سیاسی به جریانی سیاسی



مخالف تبدیل شوند) از دشمنان، تهدید و تحریک کننده های عرفان حلقه هستند و عرفان حلقه در این تحقیق جریانی غیرسیاسی و بی خطر ارزیابی شده است.

۵- رد ادعای دادگاه محترم در خصوص فرقه بودن و فعالیت تشکیلاتی:

دادگاه محترم بدون هیچ استدلال و مستند قانونی از ابتدای حکم در مقدمه، کلاسهای عرفان کیهانی را فرقه دانسته است. در قانون تعریفی از فرقه وجود ندارد لذا ابتدا به معنی آن باید توجه کرد

«فرق فرقه و مذهب در چیست؟»

برای پاسخ گویی به سؤال فوق لازم است نگاهی گذرا به معنای «فرقه» و «مذهب» در لغت و اصطلاح، داشته باشیم.

۱- معنای لغوی «فرقه»: کلمه فرقه در لغت از ریشه «فَرَقَ» به معنای جدا کردن، گرفته شده است و اسم است برای گروهی از مردم. ابن منظور می گوید: الفرقة: طائفة من الناس فرقه به عده و گروهی از مردم گفته می شود.

۲- معنای لغوی مذهب: اگر کلمه مذهب از ریشه «ذَهَبَ» به معنی رفتن گرفته شده باشد در آن صورت مذهب، اسم مکان است به معنای محل رفتن. و اگر از ذهب به معنی «در مسأله ای گرایش به نظریه ای پیدا کردن» گرفته شده باشد. در آن صورت مذهب مصدر میمی می شود به معنای «عقیده، اعتقاد، آیین».

به نظر می رسد معنای دوم هم از همان معنی اول گرفته شده است؛ راه خاص در رفتن و مسلك و طریقه در اعمال فیزیکی و هم چنین روش خاص در مسائل فکری و نظری هر دو مصداق مذهب است که از لحاظ ادبیات عرب اسم مکان می باشد.

حال با توجه به معنای لغوی دو کلمه «فرقه» و «مذهب» معلوم می شود که کلمه فرقه در لغت به عده ای خاص از مردم اطلاق می شود و مذهب به اعتقاد و عقیده و روش خاص گفته می شود. بنابراین هر دو کلمه در اطلاقشان به امری خاص مشترك هستند با این تفاوت که فرقه به اشیاء و افراد و به تعبیر دیگر بر اعیان اطلاق می شود، ولی مذهب بر مسائل نظری و معنوی (به معنای مقابل عین) گفته می شود.

۳- معنای اصطلاحی فرقه: کلمه فرقه در اصطلاح، معنایی نزدیک به معنی لغوی دارد و به گروهی از مردم که اعتقاد واحدی غیر از اعتقاد دیگران را انتخاب و دنبال کنند، فرقه گفته



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

می شود. مثلاً اگر عده ای از پیروان یک دین، اعتقاد خاصی غیر از اعتقاد عموم پیروان آن دین داشته باشند به آن عده «فرقه» گفته می شود.

در این جا حدیثی از امام صادق - علیه السلام - ذکر می شود تا کاربرد اصطلاحی فرقه بیشتر معلوم شود:

از امام صادق - علیه السلام - نقل شده که فرمود: «الحمد لله صارت فرقة مرجئه و صارت فرقة حروریه و صارت فرقة قدریه و سمیت الترابیه و شیعة علی..» یعنی حمد خداوند را با این که فرقه ای (گروهی) مرجئه شدند و فرقه ای حروریه شدند و فرقه ای قدریه شدند، و شما ترابیه و شیعه علی نامیده شدید.

این حدیث امام صادق - علیه السلام - نشان می دهد که عده ای از مسلمانان که بیعت با امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - در روز عید غدیر خم را فراموش کردند از گروه مسلمانان جدا شده و به علت اعتقاد به این که عمل در ایمان تأثیر ندارد. «مرجئه» گشتند و عده ای برخلاف مسلمانان اعتقاد پیدا کردند که انجام گناه کبیره باعث کفر می شود و «حروری» (خارجی) شدند و عده ای نیز به دلیل اعتقاد به قدر و این که خداوند هیچ قدرتی در اعمال بندگان ندارد، «قدریه» شدند. ولی آنان که بر پیمان خود با علی - علیه السلام - در روز غدیر خم پایبند مانده و از اسلام جدا نشدند «ترابیه» (چون گنیه حضرت علی - علیه السلام - ابوتراب بود به طرفداران وی ترابیه اطلاق می شد) و شیعه علی، نامیده شدند.

۴- .معنی اصطلاحی مذهب: در اصطلاح، مذهب به یکی از تیره ها و شعب یک دین گفته می شود؛ می خواهد تیره های اعتقادی مانند اسماعیلیه و معتزله در اسلام باشد یا طریق سیر و سلوک مانند مذهب نقشبندیه در صوفیه باشد یا روش عمل نسبت به احکام مانند مذهب شافعیه و حنفیه در فقه. این توضیح لازم است که در مغرب زمین واژه «Religion» به معنای مکتب های درونی یک دین و به معنای خود دین به کار می رود و حدود نیم قرن است که متجددان کشور ما تحت تأثیر این موضوع، کلمه «مذهب» را در هر دو معنا، یعنی، «دین» و «فرقه های درونی یک دین» استعمال می کنند.

با توجه به معنای اصطلاحی فرقه و مذهب می توان گفت که «فرقه» به افرادی که از یک دین جدا شده و عقیده خاصی دارند، اطلاق می شود و به اعتقاد و روش خاص آن «مذهب» گفته می شود؛ بنابراین این دو کلمه به یک تعبیر، معنای مترادفی دارند با این تفاوت که کلمه فرقه به افراد خاص بودن آنها نظر دارد و کلمه مذهب روش خاص آنان را مورد توجه قرار می دهد. پس این دو کلمه می توانند به جای همدیگر به کار گرفته شوند. ولی باید

توجه داشت که فرقه اسم سخت افزاری و مذهب اسم نرم افزاری یک گروه با عقیده خاص



شماره پروانه: ۱۸۷۰۴



می باشد. تفاوت دیگری که از استعمال دو کلمه فرقه و مذهب می توان به دست آورد این است که فرقه بیشتر به تقسیم های یک دین از لحاظ کلامی و اعتقادی اطلاق می شود؛ اما مذهب در تقسیم های یک دین از لحاظ فقهی، اعتقادی، اخلاقی و... کاربرد دارد و حتی یک فرقه دینی احتمالاً چندین مذهب می تواند داشته باشد.

به عنوان مثال اهل سنت چهار مذهب فقهی دارند که عبارت است از مالکی، شافعی، حنفی و حنبلی و ده ها فرقه ریز و درشت کلامی دارند مانند معتزله، اشعری، اهل حدیث، مشبهه و... به همین دلیل می توان ادعا کرد که به اصطلاح علمای منطق، رابطه فرقه و مذهب اعم و اخص مطلق است هر فرقه ای مذهب است، ولی هر مذهبی فرقه نیست. البته این فرق برگرفته از استعمال است و با تغییر استعمال این فرق هم تغییر می کند.

در پایان باید این نکته را یادآور شویم که در زبان فارسی اصطلاح فرقه و مذهب با هم فرق چندانی نداشته و به جای همدیگر استعمال می شوند و شاید تنها تفاوت شان در استعمال، این باشد که برای انشعاب های اعتقادی و کلامی از اصطلاح فرقه استفاده می کنند و برای روشن کردن انشعاب های فقهی، اصطلاح «مذهب» را به کار می برند.» (www.andishehghom.com)

بنابراین از نظر تعریفی، فرقه بار بزهکارانه ندارد اما مفهومی که احتمالاً مد نظر بازجویان بوده است معنی عامیانه و عرفی فرقه است که به یک تشکیلات مخفی که پنهانی جوانان را به خود جذب می کند و مغز آنها را مورد شستشو قرار می دهد تا در جهت مطامع مؤسس آن به کار گرفته شوند اطلاق می شود.

اما این تعریف هم شامل موکل نیست، موکل هیچ گونه کار پنهانی انجام نداده، در پی فریب جوانها و اغفال آنها نبوده و غالب کسانی که در کلاسهای او شرکت کرده اند افراد تحصیلکرده و دانا بوده اند، کتابهایش و مقالاتش علنی چاپ شده و مورد بحث واقع شده است. بنابراین با توجه به اینکه تمام اقدامات موکل، تمایل ایشان را برای حرکت در چارچوب دین مبین اسلام و قانون و بدون هرگونه موضع گیری سیاسی، امنیتی مخالف نظام و بصورتی کاملاً مسالمت آمیز، را به اثبات میرساند، لذا اتهام «فرقه» بودن کاملاً منتفی است.

۶- سالبه به انتفاء موضوع شدن فتاوی مراجع تقلید مستند رای با توجه به فتاوی جدید ایشان در این خصوص و بازپس گیری فتاوی قبلی:

دادگاه محترم یکی از مهمترین جهات موضوعی حکم صادره را فتاوی مراجع معظم تقلید حضرات آیات عظام علوی گرگانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و... قرار داده است.



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

اولاً حضرات آیات مکارم شیرازی و علوی گرگانی به موجب فتوای جدید خود- که پس از اخذ استفتایی که مستظهر به پرسشهای تلقینی و ناقص و مستند به اظهارات غیر منتسب به موکل صادر شده بود- صادر کردند، از صدور حکم اعدام نکول کرده اند که تصویر متن استفتاء جدید به پیوست ۱۸ تقدیم می گردد.

ضمناً حضرت آیت الله صافی گلپایگانی نیز اخذ استفتاء به این شیوه از ایشان را پس از روشنگری که در خصوص نظریات آقای طاهری و ارایه کتابهای رسمی و مقالات معتبر چاپ شده وی به عمل آمد، بر نتابیده اند که در این خصوص استعلام و استفسار از دفتر مرجع مذکور مستدعی است.

۷- پاسخ به ادعای فسادآموزه های عرفان کیهانی و مردود بودن انتساب اتهامهای انحراف از اصول و فروع دین :

به عنوان مقدمه اعلام می شود:

در مورد اتهام انتشار افکار موهوم با عنایت به اینکه ایشان در جلسه دادرسی و برگه های بازجویی (دادگاه، بازپرسی و بازجویی) صراحتاً به وحدانیت خداوند، رسالت رسول الله (ص) به عنوان خاتم انبیا، معاد (و معاد جسمانی)، عدالت خداوند و امامت ائمه عیلهم السلام و منجی عالم بشریت امام مهدی (عج) اقرار نموده است که متأسفانه دادگاه محترم بر خلاف موازین شرعی و قانونی و نیز فتوای آیت الله سیستانی مورخ ۹۲/۱۱/۲۶ که فرموده اند: هرکس شهادتین بگوید صرف نظر از هرگونه انحراف احتمالی مسلمان است و ... به اظهارات موکل هیچ ترتیب اثری داده نشده است.

در مورد ادعای اهانت و تمسخر مقدسات نیز لازم به توضیح هست که این موارد جزء اتهامات دادگاه بدوی نبوده و یکبار در سال ۹۰ آنهم بدون ارائه دلیل و مدرک معتبر و بدون اینکه موکل آنرا پذیرفته باشد منتج به صدور رای شد که به موجب آن موکل به اشد مجازات پنج سال تحمل حبس (و در اشد سختی وضعیت و ...) محکوم شده است و متأسفانه همین موارد بار دیگر در مورد "اتهام افساد فی الارض" بدون بحث و بررسی و ارائه مدرک در دادگاه مدنظر قرار گرفته شد. در حالیکه یکبار از بابت آن موکل تحمل حبس نموده است و طرح مجدد آن به عنوان جهت موضوعی حکم صادره منطبق با موازین شرعی و قانونی و دادرسی عادلانه نیست.



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

الف - پاسخ در خصوص انحراف از خدا شناسی:

مقدمتاً به عرض می‌رساند که موکل به علت کنجکاوی و علاقه بیش از حد نسبت به خدا، آفرینش، هدف از خلقت و ... در دوران کودکی و طفولیت درگیر جذبه شدید باطنی زایدالوصفی گشته که برای ارضای میل درونی خود از نوجوانی و جوانی اقدام به سیر و سلوک انفرادی پنهانی که در دنیای عرفان بسیار معمول و متداول است می‌نماید که در آن به رسیدن به کوی وصل و وصول و پی بردن به ذره ای از اسرار خلقت و هستی از خداوند طلب میکند، همانگونه که با خواندن ادعیه خیلی از افراد از خداوند درخواست میکنند که:

«سَهِّلْ لِي مَنَاجِجَ الْوَصْلَةِ وَالْوُصُولِ ... _ دعای سیفی صغیر»، «اللَّهُمَّ اَلْهَمْنَا طَاعَتَكَ ... _ مناجات خمسہ عشرہ- مطیعین لله» و ... و در اینمورد کلام نورانی قرآن میفرماید «وَسَلُّوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ _ (هرچه میخواهید) از فضل خدا بخواهید (نسا - ۳۲)» و از طریقی دیگر میفرماید «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ ... و کسانی که دنبال اتصال هستند به آن چیزی که خداوند به وصل آن امر نموده (رعد- ۲۱)، و ... که در نتیجه به لطف خداوند که فرموده اند «ادعونی استجب لکم»، (غافر ۶۰) ایشان را اجابت نموده و ذره ای هر چند ناچیز از فضل خود را به ایشان عطا میکند «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» (مائده ۵۴) و موفق به کشف و شهود که در همه عرفانها از جمله در عرفان اسلامی و در همه طول تاریخ امری کاملاً معمول و پذیرفته شده می باشد، میگردد. دامنه این کشف و شهود بسیار گسترده و شامل انسان، روح، جن، درمان و ... بوده و موکل طی چند دهه تحقیق و بررسی و ملاقات با اساتید رشته های مختلف عرفان، فلسفه، دین، پزشکی، روانشناسی و روانپزشکی و ... به حجت قلبی رسیده که یافته های او ارزش نظری و عملی داشته و رحمانی می باشند.

از جمله این ادراکات و شعور، درک مرتبه بی نامی و حس وحدت وجود است.

گذشته از مطالب فوق در پاسخ به شبهه های مندرج در رأی - که حاوی ۴ بند می باشد-، به عرض می‌رساند که این نظرات، ابداع و اختراع موکل نمی باشد در فلسفه و عرفان اسلامی مطرح بوده و هست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

1- عبارت «به زودی یقین حاصل می کنید که شما خدا هستید و...» (متن رأی)

عبارتی نزدیک به این در دلنوشته ای ادبی، عاشقانه و پر از شوق و جذبۀ الهی به نام آزمایش آخر - که عیناً ضمن پیوست ۹ تقدیم می شود - درج شده است. همان گونه که مشاهده می فرمایید اصل عبارت چنین است: «و به زودی یقین حاصل می کنید که دارای قدرتی خدایی هستید آن زمان که شما این گونه خدا شدید، می خواهید بدانید که با من چه خواهید کرد....»

متأسفانه تنظیم کنندگان متن ادعایی مندرج در رأی با تقطیع این بخش و اتصال آن به قسمتی دیگر که چنین است: «شما مرا بخشنده می دانید ولی اصلاً حد آن را نمی دانید و از آن صرفاً تصویری مبهم دارید. میزان بخشندگی من را پس از وصال خواهید فهمید، وقتی که همه قدرت خود را به شما ببخشم فقط در آنجاست که مفهوم بخشنده مهربان را خواهید فهمید.» این گونه القاء می نمایند که موکل مرتکب کفرگویی شده است.

صرفنظر از این که متن یک دلنوشته ادبی است و توقع دقتها و سختگیریهای فلسفی از آن نمی رود، همان طور که کسی نمی گوید که چون مولانا در شعری گفته است شمس من و خدای من، یا سهراب سپهری گفته است و خدایی که در این نزدیکی است، لای آن شب بوها، پس کفر گفته اند!!، موضوعی که موکل در پی تشریح آن در متن مذکور بوده است، بیانی ادیبانه از مفهوم وحدت وجود و فنا فی الله است که از صدها سال پیش توسط عرفا و فلاسفه بزرگ اسلامی مطرح شده است و هر روزه در دانشگاهها و حوزه های علمیه تدریس می شود.

مثلاً ابن عربی در مقدمه فصوص الحکم نوشته است: «فسبحان من اظهر الاشياء و هو عینها بنابر این کثرت و تعدد در وجود به واسطه اعتبارات و اضافات است چون به هستی از حیث ذات نظر انداخته شود، همان وجود اقدس حق می باشد. اما وقتی از جهت صفات و اسماء در نظر گرفته شود، یعنی از جهت ظهوری که در اعیان ممکنات دارد، همان خلق است»

شیخ محمود شبستری نیز در گلشن راز می گوید: «چو نیکو بنگری در اصل این کار، همو بیننده، هم دیده است و دیدار»

ملاصدرا با عبارات مختلف در کتب مختلفش از وحدت وجود حرف زده است و نه تنها این نظریه عرفانی را در فلسفه بیان کرده است، بلکه ادعا می کند که با آن فلسفه را تکمیل



کرده است و این در واقع رکن رکن حکمت متعالیه صدرایی محسوب می شود. ملاصدرا این را از لطف خدا می داند: «هدانی ربی بالبرهان النیر العرشی الی صراط مستقیم من کون الموجود والموجود منحصرأ فی حقیقه واحده شخصیه لا شریک له فی الموجودیه الحقیقیه و لا ثانی له فی العین و لیس فی دار الوجود غیره دیار» [الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، صدر المتألهین ملاصدرا]

(پروردگارم مرا با برهان روشنی بخش آسمانی به راه راست هدایت کرد که موجود و وجود در یک حقیقت واحد مشخص منحصر هستند که برای او شریکی در این حقیقت وجودی نیست و ماندی برای اوبه صورت عینی وجود ندارد و در سرای هستی غیر او جنبه ای نیست)

که همه هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

2- عبارت «هر جا که رو کنیم وجه الله، هر وجهی نامی دارد، پس هر نام، نام اوست و چیزی جز نام او نیست، او نام ندارد....» (متن رأی)

بر خلاف ادعای مندرج در رأی مبنی بر بدعت بودن بی نام دانستن خدا و ترویج آن توسط موکل، لازم به توضیح است که این موضوع که ذات اقدس الهی جل جلاله، فراتر از اسم و صفت است در بین عرفا شناخته شده است. این نظر مؤید به احادیث صادره از ناحیه معصومین علیهم السلام و مندرج در کتب معتبره شیعه و سنی و نوشته های فلاسفه و عرفای اسلامی است و به هیچ وجه انحرافی نیست. موارد زیر به عنوان شاهد به عرض می رسد:

اولاً الله اکبر به چه معنی است؟ یعنی خداوند بزرگتر است. از چه بزرگتر است؟ الله اکبر عما یصفون یعنی جمال کبریایی از هر وصف و هر توصیف و هر خیال و وهمی فراتر است. پس از هر نوع اسم نیز فراتر است. اما کلمه الله و صفات باری تعالی به چه معنا هستند و چرا وضع شده اند؟ در ادامه از روایات منقول، علت این تسمیه آشکار می شود که خداوند برای نیایش خلق، اسامی برای خودش تعریف کرده که ذاتش نیستند.

ثانیاً- در مورد این که این عقیده عرفا و فلاسفه است عنایت بفرمایید:

۱- ملاصدرا: «لا اسم له و لا رسم له و لا حد و لا خبر عن ذات الواجب لفرط کماله

» [مفاتیح الغیب ملاصدرا ج ۱ ص ۲۳۴]



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

یعنی: هیچ اسمی و رسمی و حدی و خبری برای ذات واجب از شدت کمالش وجود ندارد

۲- علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی (قدس سره): «منظور عرفا از عنقا و سیمرغ، این مرحله از شهود یعنی تجلی ذاتی را عرفا تعبیر به عنقا و سیمرغ می نمایند چه او موجودی است که هرگز صید احدی نخواهد شد، سیمرغ، آن ذات بحت [منظور پاک و خالص از هر چیز است] و وجود صرف است که از آن به عالم (عمی) و کنز مخفی و غیب الغیوب و ذات ما لا اسم له و لا رسم له تعبیر کند.» [لب اللباب، علامه حسینی تهرانی، ص ۱۵۴]

۳- ملا صدرا: «والحق الحقیقی بالتصدیق ان وضع الاسم المخصوص للذات الاحدیه و الهویه الوجودیه مع قطع النظر عن النسب و الاضافات غیر متصور اصلاً لان تلك الذات غیر معقول للبشر و لا یشار الیه بعقل او حس و الغرض من وضع الالفاظ و النقوش الكتابیه لیس الا الدلاله علی ما فی الازهان من المعانی و لما يتصور لحقیقه الباری صورہ ذهنیه مطابقة لذاته فلا یمکن الدلاله علیه و حینئذ فلا اسم و لا رسم و لانعت و من هنا تبین ان وضع الالفاظ انما هو للمفہومات و الصور الذهنیه لا للاعیان الخارجیه اذا فهمت هذا فاعلم ان الحق، الاول تعالی ذاته نفس الوجود الصرف بلا ماهیة اخرى فجميع الاسماء و الصفات خارجة عنه. فالحک بحسب المفهوم غیره.» [ملا صدرا، شرح اصول کافی، ج ۳، ص ۷۸]

یعنی حق حقیقی و قابل تصدیق این است که وضع اسم مخصوص برای ذات احدیت و هویت وجودی او، بدون در نظر گرفتن نسبتها و اضافات اصلاً غیر قابل تصور است زیرا ذات او برای بشر غیر معقول است و به ذات الهی با عقل یا حس نمی توان اشاره کرد. غرض از وضع الفاظ و خطوط نوشتن چیزی غیر از دلالت بر معانی که در ذهن انسان است نیست، و از حقیقت ذات باری صورت ذهنی مطابق ذات او تصور نمی توان کرد، و نمی توان به او دلالت کرد و در این هنگام هیچ اسم و هیچ رسم و هیچ صفتی برای او وجود ندارد و از اینجا معلوم می شود که وضع الفاظ برای مفهومات و صور ذهنی است نه برای عینیهایی که در خارج وجود دارند، اگر این را فهمیدی پس بدان، حق این است که اول تعالی (منظورش ذات اقدس اله است که قبل همه چیز بوده است) ذاتش نفس وجود خالص است بدون هر نوع ماهیت دیگری، پس جمیع صفات و اسما خارج از او هستند و همه آنها از نظر مفهومی خارج او هستند.



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

ثالثاً - ادله نقلی

الف- عن ابی عبدالله (ع) قال: اسم الله غیر الله، و کل شیء وقع علیه اسم شیء فهو مخلوق ما فلا الله، فاما ما عبرته الالسن او ما عملته الایدی فهو مخلوق، و الله غایة من غایاه، و المغیی غیر الغایة، و الغایة موصوفه، و کل موصوف مصنوع، و صانع الاشیاء غیر موصوف بحد مسمی، لم یتکون فتعرف کینونته بصنع غیره، ولم یتناه الی الغایة الا کانت غیره لا یزل من فهم هذا الحكم ابدا، و هو توحید الخالص، فارعوه و صدقوه و تفهموه باذن الله، من زعم انه یعرف الله بحجاب او بصورة او بمثال فهو مشرک، لان الحجاب و المثال و الصورة غیره، و انما هو واحد موحد فکیف یوحد من زعم انه عرفه بغيره، و انما عرف الله من عرفه بالله، و من لم یعرفه به فلیس یعرفه، انما یعرف غیره، لیس بین الخالق و المخلوق شیء، فالله خالق الاشیاء لا من شیء کان، والله یسمی باسمائه و هو غیر اسمائه و الاسماء غیره [شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۹۳]

یعنی: اسم الله غیر از (ذات) الله است، و هر چیزی که اسم بر آن گذاشته شود مخلوق است غیر از (ذات) الله، اما آنچه که زبانهها بیان می کنند یا دستها انجام می دهند، مخلوق هستند..... سازنده اشیا قابل توصیف با محدودیت مسمی نیست،..... (ذات) الله با اسامیش نام گذاری می شود و او غیر اسامیش است و اسامی غیر او هستند.

ب- حضرت علی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه می فرمایند: «اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده، و کمال توحیده الاخلاص له و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه»،

کمال توحید خداوند خالص شدن برای اوست و کمال اخلاص، نفی صفات از اوست.

در حدیث دیگری از امام رضا به روایت از محمد بن سنان آمده است: «قال: سألته عن الاسم ما هو؟ قال صفة لموصوف» یعنی: پرسیدم که منظور از اسم (الله) چیست؟ گفت: صفتی برای موصوف است.

بنابراین کمال اخلاص الهی، نفی صفات از ذات باری تعالی است که اسماء الهی هم جزو صفات او هستند.

ج- عن ابن سنان، قال سألت ابی الحسن الرضا (ع) هل کان الله عارفاً بنفسه قبل ان یخلق الخلق؟ قال نعم، قلت یراها و یسمعها؟ قال ما کان الله محتاجاً الی ذلک، لانه لم یکن یسألها و لا یطلب منها، هو نفسه و نفسه هو، قدرته نافذه، و لیس یحتاج ان یسمی نفسه، ولکن اختار



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

لنفسه اسماءً لغيره يدعوه بها ، لانه اذا لم يدع باسمه لم يعرف فاول ما اختار لنفسه العلی العظیم ، لانه اعلی الاشياء كلها ، فمعناه الله ، و اسمه العلی العظیم ، هو اول اسمائه لانه علی ، علا کل شیء [التوحید ، شیخ صدوق ، ص ۱۹۱]

از ابن سنان نقل شده که گفت از ابوالحسن الرضا (ع) پرسیدم آیا خداوند قبل از این که مخلوقات را خلق کند به ذات خود شناخت داشته است؟ گفتم: بله گفتم: ذات خودش را می دید و خودش را می شنید؟ گفت: الله به ان محتاج نبود ، برای این که کسی از او نمی خواست و از او طلبی نمی شد، او ذاتش بود و ذاتش او بود ، قدرتش بر همه چیز نفوذ داشت ، و احتیاجی به این که خودش را نامگذاری کند نبود ، اما او برای خودش اسامی را انتخاب کرد تا دیگران او را به آن بخوانند ، برای این که اگر او را به نامش نخوانند شناخته نمی شود.....

3- عبارت «انسان قادر به عاشق شدن برای خدا نیست زیرا انسان از هیچ طریقی قادر به فهم او نیست» (متن رأی)

منظور موکل از این عبارات ، نفی عشق جزئی و درک شمه ای از ذات حق نیست ، چون اگر چنین بود که اصلاً عرفان معنا نمی یافت بلکه منظور وی محال بودن درک کنه ذات الهی است . هم در قرآن و هم در روایات از عدم امکان شناخت ذات الهی – چه به روش حصولی و چه حضوری – و ناتوانی انسان و به تبع همین عدم توانایی، از بازداشتن انسان در شناخت ذات الهی و پرداختن به مخلوقات به عنوان آیات الهی سخن به میان آمده است.

الف – قرآن

« وَ لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا: ولی آنها به او احاطه ندارند. (طه: ۱۱۰)

ب- روایات

1- امام باقر (علیه السلام) در این باره می فرمایند: إِيَّاكُمْ وَ التَّفَكُّرَ فِي اللَّهِ وَ لَكِنْ إِذَا أَرَدْتُمْ أَنْ تَنْظُرُوا إِلَى عَظَمَتِهِ فَانْظُرُوا إِلَى عَظِيمِ خَلْقِهِ مِنْ تَفَكُّرٍ دُرِّبَارِهِ خَدَّوْنَ بِرِ حَذَرٍ بِاشِيدٍ وَ هَرِّكَاهِ ارَادَهُ كَرَدِيدٍ عَظَمَتِ أَوْ رَا دَرِيَابِيدٍ، به عظمت آفرینش بنگرید. (کافی، کلینی؛ ج ۱، ص ۹۳)



کانون وکلای «ادکستری مرکز»

تاریخ:
شماره:
پیوست:

2- در برخی روایات از تفکر در ذات الهی به عنوان عامل زمینه ساز الحاد و بی دینی یاد شده است. امام علی (علیه السلام) می فرمایند: مَنْ أَفْكَرَ فِي ذَاتِ اللَّهِ تَزَنَّدَقَ «هر شخصی که در ذات خدا اندیشه کند زندیق می شود» (کافی، کلینی، ج ۸، ص ۲۲)

3- امام علی (علیه السلام) چنین می فرماید: لَمْ يَطْلُعِ الْعُقُولَ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ وَ لَمْ يَحْجُبْهَا عَنْ وَاجِبِ مَعْرِفَتِهِ: (خداوند) خردها را بر چگونگی و تحدید صفات خود آگاه نکرد؛ لیکن هرگز آنها را از مقدار لازم معرفت خود محجوب نساخت. (نهج البلاغه، خطبه ۴۹)

✽ نظر عرفا و فلاسفه اسلامی

1- آیت الله جوادی آملی :

از آنجایی که ادراک کنه هر چیز مستلزم نوعی احاطه بر آن چیز است و انسان و سایر مخلوقات محدود و متناهی را توانایی آن نیست که نسبت به خداوند نامحدود و نامتناهی احاطه یابند بنابراین ادراک کنه ذات خدا نه ممکن است و نه تکلیف کسی. (تفسیر تسنیم، جوادی آملی، ج ۱۶، ص ۶۶۳-۶۶۵)

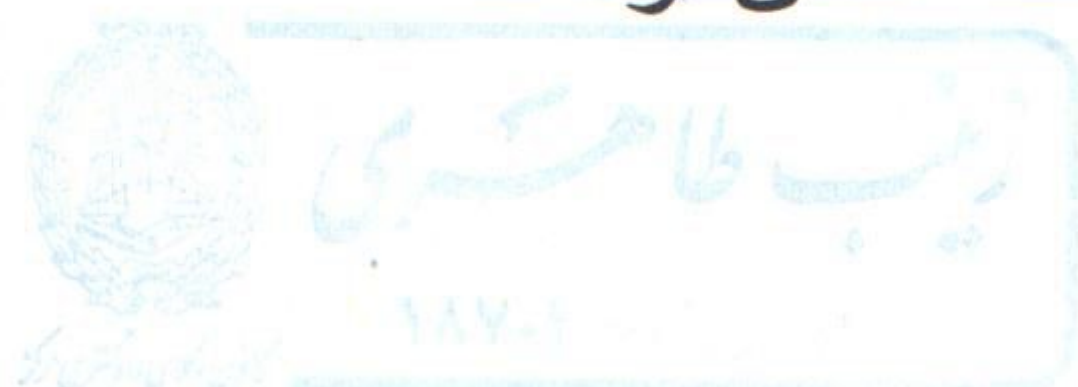
نه تنها شناخت کنه ذات خداوند، بلکه شناخت گنه هر چیزی ممتنع است و این معرفت، مختص ذات اقدس الهی است، چون کنه اشیا فیض خاصّ خداست که بسیط محض و بدون امتزاج است و این «وجه باقی خدا» (نه ذات خدا) در هر چیزی بدون مازجه، حضور قیومی دارد، بنابراین تنها مقداری از شناخت که در محدوده امکان باشد، مقدور انسان است. (تفسیر انسان به انسان، جوادی آملی، ص ۶۲)

2- ابن عربی

«أَمَّا الذَّاتُ الإِلَهِيَّةُ فَحَارٌ فِيهَا جَمِيعُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْلِيَاءِ (عليهم السلام)». (شرح فصوص الحکم، قیصری، ص ۳۴۶) مقام ذات الهی جایی است که حتی انبیاء و اولیاء در آن حیرانند

3- آیت الله مصباح یزدی

ناکارآمدی عقل برای شناخت حقیقت ذات و اوصاف الهی باشد، مطلبی درست و دقیق است و همین معنا در روایات فراوانی آمده است؛ از جمله امام حسین (علیه السلام) (در قسمتی از بیان نورانی خود می فرماید: احتجب عن العقول كما احتجب عن الابصار؛ «خدا همان گونه که با چشمها قابل دیدن نیست، با عقل هم قابل شناختن نیست





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:

شماره:

پیوست:

اینکه خداوند با عقل هم قابل شناختن نیست، یعنی حقیقت ذات و صفات الهی شناختنی نیست، نه مفاهیم آنها. اصولاً کار عقل، درک مفهوم است. عقل یعنی قوه‌ای که مفاهیم کلی را درک می‌کند. هیچ‌گاه عقل نمی‌تواند مصداق را درک کند؛ مصداق را باید با تجربه حسی یا تجربه درونی (علم حضوری و شهودی) یافت. کار عقل فقط درک مفاهیم کلی است. عقل هیچ‌گاه یک شیء مشخص و عینی را نمی‌شناسد، مگر با اوصاف کلی. از این رو، نباید از عقل توقع داشت که ذات خدا را از آن جهت که یک موجود عینی خارجی و مصداق صفات و اسماست، بشناسد. عقل در هیچ جای دیگر نیز چنین هنری ندارد. هر جا عقل چیزی درک می‌کند، از راه مفاهیم کلی است.

اگر منظور از شناخت ذات، شناختی همراه با احاطه بر ذات باشد، چنین چیزی برای غیرخدا محال است؛ چون ذات خدا نامتناهی است و احاطه محدود بر نامحدود محال است. چنین معرفتی برای شریف‌ترین مخلوقات خدا، (یعنی پیامبر اکرم) صلی الله علیه و آله (و امامان معصوم) علیهم السلام (و فرشتگان مقرب الهی نیز محال است؛ زیرا آنها نیز وجودشان محدود است و نمی‌توانند بر ذات نامحدود الهی احاطه پیدا کنند. تنها خود خدا، به علم حضوری، ذاتش را به‌طور کامل مشاهده می‌کند. پیامبر اکرم) صلی الله علیه و آله (در این باره می‌فرمایند ...: ولا يبلغ احد كنه معرفته، فقیل: لا انت یا رسول الله؟ قال: لا انا، الله اعلى واجل أن يطلع احد علی كنه معرفته؛» هیچ‌کس به کنه معرفت خدا نمی‌رسد. از او پرسیدند: حتی شما ای رسول خدا؟ فرمود: حتی من؛ خدا بالاتر و برتر از این است که کسی به کنه معرفتش برسد. «اما اگر منظور از معرفت ذات، این باشد که برخی از انسان‌ها می‌توانند به مقامی برسند که رابطه وجودی خودشان را با خدا بیابند و از همین دریچه، جلوه‌ای از ذات الهی را به اندازه ظرفیت وجود خود مشاهده کنند، چنین چیزی ممکن است.

<http://www.mesbahyazdi.ir/node/5507>

4- عبارت «انسان در دنیا الله و در آخرت رب می شود» (متن رأی)

موکل در هیچ کتاب یا مقاله‌ای چنین عبارتی را نگفته است و معلوم نیست این عبارت چگونه به او منتسب شده است. همچنین جناب آقای طاهری در صفحه نخست و سطر پنجم لایحه دفاعیه دست نویس تقدیمی به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی به صراحت اظهار داشته است:



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ :
شماره :
پیوست :

((اینجانب شیعه اثنی عشری هستم با اعتقاد کامل به دین مبین اسلام (اصول و فروع دین)، کلام و حیانی قرآن، نبوت پیامبر اکرم ص به عنوان خاتم الانبیاء، ولایت ایمه معصوم علیهم السلام و منجی عالم بشریت و... بدین وسیله شهادتین خود را بر زبان جاری و در دل گواهی می دهم...))

پاسخ در خصوص اتهام انحراف از شیطان شناسی:-ب

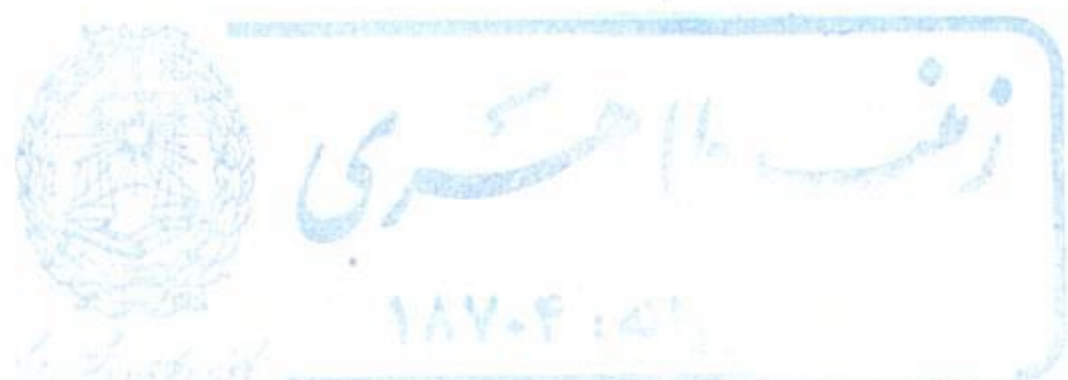
آنچه به عنوان فساد عقیده موکل درباره شیطان مطرح شده است چند مطلب است :

- 1- شیطان فی نفسه برای خودش شر نیست
- 2- شیطان تنها موحد درگاه الهی است که جز بر خدا بر کسی سجده نکرده است .
- 3- شیطان نقش سازنده دارد و قانون تضاد را جاری کرده است
- 4- شیطان جزء احسن الخالقین است

اما در پاسخ به این شبهه ها لازم به توضیح است :

اولاً - عبارت اول گزینشی، تقطیع شده است. نظر موکل درباره شیطان چیزی است که در کتاب بینش انسان نوشته است : « اگر سؤال شود که شیطان خوب است یا بد چه جوابی خواهیم داد؟ جوابی که با در نظر نگرفتن نسبیت ارائه می شود ، این است که به طور مسلم و مطلق شیطان بد است . وقتی می گوئیم به طور مطلق منظور این است که وجود شیطان هیچ گونه امتیازی نمی تواند داشته باشد و... بدون وجود عوامل ضد کمال ، کمال ارزشمند نیست و در صورت وجود شیطان و غلبه بر آن است که انسان می تواند متعالی شود..... شیطان سنگ محکی برای تعیین میزان خلوص او به شمار می رود بنابراین وجود شیطان در کمال ما نقش دارد و اگر شیطان نبود ، به دنبال خداگشتن هم نبود....

از سوی دیگر ، اگر شیطان را بد مطلق بدانیم ، منشأ و خالق بدی ، خود او خواهد بود در این صورت ، باید خوب مطلق نیز وجود داشته باشد که خالق خوبی به شمار رود این خالق خوبی از نگاه کسی که به وجود خدا معتقد است ، نمی تواند کسی جز او باشد و با این بینش ، شیطان به عنوان خالق بدی ، در مقابل خداوند به عنوان خالق خوبی ، قرار می گیرد و این مطلق بینی در مورد شیطان ، اعتقاد به دوئیت و شرکی آشکار خواهد بود» [کتاب بینش انسان ، صفحه ۷۶ و ۷۷]





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

ثانیاً - در مورد عبارت دوم، متن نظر ایشان در مقاله نقش ابلیس، چنین است: «پس تبعیت نکردن از فرمان سجده به ظاهر نافرمانی است و اگر نافرمانی نبود تضادی هم نبود اما در عین حال، فرمانبرداری است چون خداوند آن را از پیش تعیین کرده است خداوند با امر به این که ابلیس جز بر او سجده نکند نقش موحدی را به او می دهد که برای انجام مأموریت خود از جهان تک قطبی (بارگاه الهی) رانده می شود و در عین حال این درس را به جا می گذارد که تکبر و نافرمانی از خداوند، نتیجه ای جز دوری از درگاه او ندارد.»

ثالثاً - این نظرات مبتنی بر آیات و روایات است و عرفا و فلاسفه درباره آن نظراتی مشابه دارند که به عرض می رسد:

1- آیت الله جوادی آملی در کتاب عرفان و حماسه می گوید:

«هرگز عارف نمی گوید شیطان نباید باشد بلکه می گوید: در مجموعه نظام هستی شیطان هم چیز خوبی است و باید باشد؛ زیرا هر کس به هر مقامی رسید از برکت جنگ با شیطان رسید. اگر شیطان خلق نمی شد وسوسه ای نمی بود و جنگ درونی وجود نمی داشت؛ در نتیجه سالکی به مقام مجاهد در مصاف اکبر نمی رسید. پس در کل نظام آفرینش وجود شیطان نیز رحمت است. گرچه همه ما موظف هستیم که شیطان را لعن و رجم کنیم او و پیروانش را اهل جهنم دانسته و از شرشان به خدا پناه ببریم، اما آیا جز این است که شیطان مظهر اضلال حق است؟ جز این است که اگر کسی را خداوند متعال خواست بگیرد به وسیله این سگ تعلیم شده می گیرد؟»

شیطان سگ تربیت شده نظام آفرینش است. بنابراین اولاً: کار ابتدایی او در حد پارس کردن و کار پایانی او احیاناً گزیدن است، نه بیشتر از آن. لذا شیطان با همه قدرتی که به نظر بعضی ها در وسوسه کردن دارد و غوی قوی و غبی است، در عین حال نمی تواند کسی را مجبور به پذیرش راه ضلالت و گمراهی کند.

ثانیاً: برای هر کسی پارس نمی کند و هر کسی را به دندان نمی گیرد: (إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ). او سگ در خانه خداست که نسبت به آشنایان یعنی مخلصین پارس نمی کند بلکه فقط نسبت به غیر آشناها و تازه وارد ها پارس می کند. لذا باید کاری کرد که آشنای در خانه خدا و مخلص شد تا از پارس و اغوا کردن او خلاصی یافت.

شیطان چون سگهای نجس العین تربیت شده ای است که در بعضی خانه ها پیدا می شود. کسی



زینب طهری

شماره پروانه: ۱۸۷۰۴



که سگ تربیت شده دارد در عین حال که آن را نجس العین و حرام گوشت می‌داند، به خدمات او نیز توجه دارد لذا وجودش را لازم و احیاناً منشأ برکات می‌شمارد. [http://tadabbor.org/?page=article&AID=۱۱۰۶]

2- درباره جزو احسن الخلق بودن و مفید بودنش، عنایت بفرمایید به سخنان آیت الله جوادی آملی:

«خیر و رحمت بودن وجود شیطان در کل عالم»

وی با بیان اینکه آیاتی که می‌گوید شیطان هیچ سلطه‌ای بر انسانها ندارد، با آیه‌ای که می‌فرماید شیطان بر بعضی مسلط است کاملاً قابل جمع است؛ بر خیر و رحمت بودن وجود شیطان در کل عالم تأکید کرد و گفت: یک بحث در صنع خداست که خدای سبحان شیطان شرور را آفرید، یک بحث در این است که شیطان مقصر است یا نه؟ خدای سبحان کار خوبی کرد، چون موجودی که مبدأ وسوسه است در جهان لازم است؛ فرمود هر چه که شیء است خدا آفرید: (اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ)، بعد فرمود هر چه را که آفرید نیکو و زیبا آفرید: (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ). شیطان وجودش در کل عالم خیر و رحمت است و آیتی است از آیات الهی، مخلوق خداست و خدا بد خلق نمی‌کند این یک مسئله، مسئله دیگر آن است که در عالم، شیطان لازم است؛ اما چرا این شخص شیطان باشد؟ مثل اینکه بحثهای علمی می‌گوید در جهان بیماری لازم است اگر بیماری نباشد که پزشکی و پیشرفتهای علم نصیب انسان نمی‌شود، همه ما معتقدیم که مرض برکت و رحمت است. اگر مرض نباشد که اسرار گیاهان شناخته نمی‌شود، اسرار دستگاه انسانی شناخته نمی‌شود، هزارها جلد کتابی که در گیاه‌شناسی، داروشناسی، دردشناسی، درمان‌شناسی نوشته شده به برکت مرض است، اگر مرض نباشد هرگز این گونه از علوم پیشرفت نمی‌کند.

3- عبد الله بن سنان از امام جعفر صادق نقل کرده است: قال سمعته يقول امر الله و لم يشأ و شاء و لم يأمر. امر ابليس ان يسجد لادم و شاء ان لا يسجد و لو شاء لسجد و نهى ادم عن اكل الشجرة و شاء ان يأكل منها و لو لم يشأ لم يأكل.

گفت شنیدم که می‌گوید خداوند امر می‌کند و نمی‌خواهد، می‌خواهد و امر نمی‌کند. به ابلیس امر فرمود که آدم را سجده کند ولی اراده مبارکش بر آن نبود که اگر اراده الهی بر آن استوار بود بی شک او آدم را سجده می‌کرد و آدم را از خوردن شجره نهی فرمود ولی اراده اش بر تناول آن بود و بی شک اگر اراده الهی غیر از این بود، آدم هرگز نمی‌خورد.



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

از اینجا واضح می شود که شیطان اطاعت امر الهی را می کند و از تعبیر عرفا به سگ تربیت شده نیز برمی آید که شیطان فرمانبردار ذات اقدس باری است.

4- درباره موحد بودن ابلیس ، آیات قرآن و روایات بر این معنا است که وی هیچ گاه شریکی برای خدا قائل نبوده است ، ۶ هزار سال عبادت پروردگار را می کرده است ، به چنان مرتبه ای از اعتلای عبادی رسیده است که با وجود این که از جن بوده است همراه با ملائک مورد خطاب قرار می گیرد و درگروه فرشتگان بوده است . در انتهای کار نیز در قیامت می گوید : « کمثل الشیطان اذ قال للانسان اکفر فلما کفر قال انی بریء منک انی اخاف الله رب العالمین » (سوره حشر آیه ۱۶)

که این عبارت شیطان که می گوید از الله پروردگار جهانیان می هراسم ، نشانه باور او به حق تعالی است .

همچنین ابن جوزی در کتاب القصاص و المذکرین ج ۱ ص ۸۶ می گوید «کسی که ابلیس را موحد نداند کافر است » احمد غزالی در کتاب سوانح ص ۴۹ عین همین نظر را به تفصیل بیان کرده است .

اما در مورد عبارت تنها موحد بودن ، به لحاظ این که بخشی از کلام ایشان قطع شده است باعث برداشت اشتباه شده است . منظور موکل این نبوده که فقط شیطان در عالم هستی موحد است چون این اساساً با هیچ استدلالی قابل پذیرش نیست و با باورها و نوشته های ایشان هم سازگاری ندارد . ایشان در آن صحبتی که می کرده اند در توصیف ابتدای خلقت آدم و حضور ملائکه و ابلیس گفته اند که ابلیس ، فقط یک موحد بوده است که بر آدم سجده نکرده است و منظور ایشان انحصار در ابلیس نبوده است .

همچنین ، جناب طاهری در سطر شانزدهم از صفحه دوازده لایحه دست نویس می گوید :
(..یکی از اصول مهم در عرفان حلقه، اجتناب از شبکه منفی (شیطان) و تمایل به شبکه مثبت می باشد و شبکه منفی را نیروی مقاوم در سر راه حرکت به سوی کمال معرفی می کند. اینجانب تمایل به شیطان و شیطان پرستی را قویا تکذیب و عرفان حلقه را نمونه بارزی از میل به توحید ناب و خالص می دانم که هیچ خدشه ای از این بابت به آن قابل وارد کردن نیست..))

ج- پاسخ در خصوص انحراف از معاد شناسی:





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

در خصوص این انحراف، در رأی چند عبارت آمده است:

- 1- شما همراه من وارد جهنم می شوید
 - 2- تنها چیزی که در جهنم وجود دارد آتشی است از جنس آگاهی که برای من شیرین است
 - 3- ما آمدیم تضادها را دو قطبی بگذاریم و بعد از تسلط خدا، حلقه خواهیم شد
- اما در پاسخ، لازم به توضیح است که:

اولاً - عبارت سوم اساساً در متن مقاله وجود ندارد (متن مقاله در پیوست ۴ موجود است)

ثانیاً - در مورد این که خداوند می فرماید که شما همراه من وارد جهنم می شوید، این کلام الهی است زیرا در سوره مریم، آیه ۷۱ می فرماید: **وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا** یعنی هیچ یک از شما نیست مگر این که وارد جهنم شود و این یک قضای حتمی برای پروردگار تو است.

از سوی دیگر جایی وجود ندارد که خداوند جل جلاله همراه انسان نباشد زیرا قول اوست که می فرماید:

هو معکم اینما کنتم (سوره حدید آیه ۴)

بنابراین در جهنم نیز خداوند همراه انسان است.

ثالثاً - در خصوص این که آتش جهنم، از جنس آگاهی است و برای خداوند شیرین است، به عرض می رسد که همان گونه که در بالا گفته شد خداوند همه را وارد آتش نار می کند، علت این که برخی از آتش نجات می یابند آگاهی یافتن و هدایت است و هدایت شدن و رهایی آنها از دوزخ برای خداوند که مظهر لطف و رحمت است، شیرین و مطلوب است. و این لطف خداوند در دعای کمیل مندرج است که:

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَا حِدِيكَ وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَ مَا كَانَ (كَانَتْ) لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَ لَا مَقَامًا وَ لَا يَقِينٌ مِثْلُهَا که اگر فرمانت در به عذاب کشیدن منکران نبود و حکمت به همیشگی بودن دشمنانت در آتش صادر نمیشد، هر آینه سرتاسر دوزخ را سرد و سلامت میکردی و برای احدی در آنجا قرار و جایگاهی نبود



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

حضرت علی (ع) می فرمایند که اگر حکم خدا نبود، رحمتش باعث می شد که جهنم سرد باشد، پس خارج شدن برخی انسانها از آتش برای رب رحیم، شیرین است.

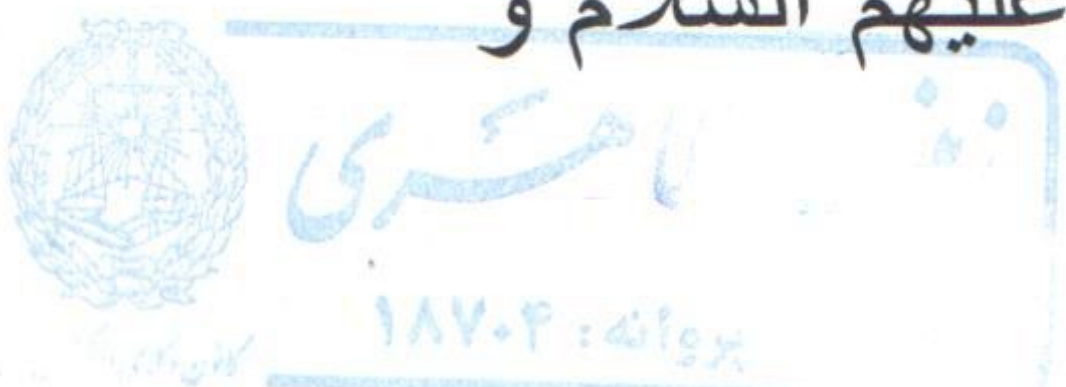
در مورد ادعای برخی مبنی بر منکر معاد جسمانی بودن موکل نیز در سطر بیست و سوم، صفحه چهاردهم لایحه دست نویس اشاره کرده است: ((..اینجانب نه تنها معاد جسمانی را قبول داشته و دارم، بلکه در اثبات آن نظریه هایی را نیز ارایه داده ام. از جمله اینکه در زندگی بعدی (برزخ) که روح فاقد جسمیت و مکان است، از اینرو برزخ در لامکانی جریان دارد و پس از آن با دمیده شدن در صور اسرافیل، با مرگ همه، زمان نیز به یک باره حذف می شود در نتیجه همه انسانها که در ادوار مختلف زیسته و مرگ را چشیده اند و زمان آنها را دچار تقدم و تاخر کرده بود، با کنار رفتن زمان پرده بین آنها (که عامل زمان آن را ایجاد کرده بود) برداشته می شود و همه در کنار یکدیگر قرار می گیرند و تقدم و تاخر از بین می رود.

د- پاسخ در خصوص انحراف پیامبر شناسی

موکل در مورد عبارات این بخش، اظهار بی اطلاعی می کند و منکر گفتن چنین عباراتی است. از آنجا که هیچ گونه مستندی در این خصوص، ارائه نشده است و موکل معتقد به نبی مکرم اسلام و قرآن کریم است و اصل بر برائت و توجه اتهام محتاج دلیل است لذا امکان دفاع تا زمان ارائه مستند این اتهام برای ما و موکل وجود ندارد

ه- پاسخ در خصوص انحراف از مهدویت:

موکل با اعتقاد به منجی و موعود، سه مقاله با عناوین فلسفه غیبت و مفهوم انتظار، منجی موعود و دام دجال تحریر نموده که بارها در رسانه های کثیر الانتشار اعم از کاغذی و الکترونیکی منتشر شده است که متن کامل آنها در پیوست ۴ موجود است. صرفنظر از آن وی در سطر پانزدهم از صفحه بیست و یکم لایحه دستنویسش اعلام می دارد: ((....امام عصر به منزله استاد دوره دکترای بشریت که بشر را از جهل و نادانی نجات خواهد داد و در های آسمان های خرد و دانایی و حکمت را به روی انسان می گشایدو... حال چگونه امکان دارد با وجود این همه دلایل و مدارک که به وضوح اعتقاد اینجانب را به عنوان بنیانگذار جریان معرفت جوی عرفان حلقه را نسبت به مقبولیت، تقدس و احترام موضوعات عبادی، ائمه علیهم السلام، مهدویت، حجاب و... را به اثبات می رساند، شک و شبهه ای وجود داشته باشد و دچار دوگانگی فکری باشم. لذا اتهام های توهین به ائمه علیهم السلام و





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

قبول نداشتن آنها و نقش معصومین، قبول نداشتن مهدویت، حجاب و.... نیز جز دروغ، افتراء و پاپوش امنیتی، چیز دیگری نمی تواند باشد و قویاً آن را تکذیب می کنم.))

پاسخ در خصوص انحراف از امام شناسی و مقایسه یزید و امام حسین:-و

در خصوص اتهام انکار عصمت امامان، حسب اظهارات موکل، وی چنین عباراتی را بیان نکرده است و در کتابها و مقالات و کلاسهایش چنین چیزی وجود ندارد و او معتقد و معترف به این موضوع بوده و هست. در مورد مقایسه امام حسین و یزید نیز، آنچه موکل در این خصوص گفته است حرف جدیدی نیست بلکه بر مبنای تعرف الاشياء باضدادها است. وی در این عبارات هرگز امام حسین و یزید را در یک مکان ندیده است و نظر او در مقاله اش مندرج است همان طور که خودش در سطر یازدهم صفحه بیست و دوم لایحه دست نویسش اشاره کرده ((..در مقاله آئینه عاشورا [که متن کامل آن در پیوست ۴ موجود است] که در بسیاری از روزنامه ها منتشر شد، به درس ظلم ستیزی امام حسین (ع) اشاره نموده و مهر نمازم را خاطر نشان کرده ام که بیعت مرا با آن امام بزرگوار یادآوری می کند.....))

پاسخ در خصوص انحراف در قرآن شناسی و تناقض در قرآن:-ز

موکل چنین عباراتی را در جایی چاپ یا نشر نداده است و به قرآن معتقد است. ایشان در سطر نهم از صفحه بیست و یکم لایحه دست نویسش آورده است: «همه استنادات عرفان حلقه به کلام و حیانی قرآن است.. همان طوری که در بیش از هفتاد مقاله چاپ شده اینجانب در روزنامه ها و سه کتاب چاپ شده و ویژه نامه ها و مجلات، همچنین طبق فیلم های کلاس های موسسه فرهنگی هنری کیهانی عرفان حلقه، این موضوع به خوبی قابل اثبات است. حال چگونه ممکن است جریانی که به استناد قرآن متکی است، از طرف بنیانگذار آن مورد اهانت و تمسخر قرار بگیرد؟؟..»

ح- پاسخ در خصوص نفی وسیله برای ارتباط با خدا و توسل و شفاعت و شرک دانستن زیارت:

حسب آنچه در رأی آمده است: ارتباط مستقیم با خدا خلاف نظر شیعه است و این امر باور موکل دانسته شده است:

«این امر کاملاً خرافی و منافی اعتقادات شیعه است زیرا طاهری ارتباط با پیامبر و اهل بیت رانفی و رد می کند آنجا که اعتقاد دار انسان به صورت مستقیم با خداوند ارتباط برقرار می



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

کندونیزی به غیر خداوند نیست حال آنکه طبق آیات قرآن ارتباط با خداوند از طریق واسطه و توسل به انبیای الهی تأکید شده است. در سوره مائده آیه ۳۵ آمده است وابتغوا الیه الوسيله یعنی به سوی او وسیله جوید همچنین در سوره اسراء آیه ۵۷ آمده است یتغون الی ربهما الوسيله یعنی آنان خود به درگاه خدا وسیله تقرب جویند» (متن رأی)

در اینجا دو موضوع مطرح است اولاً اعتقاد به عدم نیاز به وسیله برای ارتباط با خدا
خلاف عقاید شیعه است؟ ثانیاً- آقای طاهری توسل را نفی کرده است؟

اولاً در پاسخ پرسش اول، باید توجه نمود که این باور که اعتقاد موکل نیز می باشد عین توحید و مطابق آیات قرآن کریم و باور شیعه و اعتقاد به نیاز به وسیله، آن گونه که در رأی آمده است نه تنها عقیده شیعه نیست بلکه شرک آشکار است.!!!!!! توسل هم نفی ارتباط مستقیم با خدا نیست.

آیات متعدد قرآن گواه این موضوع است:

ایاک نعبد و ایاک نستعین، که نیازی به وسیله و واسطه ندارد و تصریح بر درخواست مستقیم است.

الا لله الدین الخالص و الذین اتخذوا من دونه اولیاء مانعدهم الا لیقربونا الی الله زلفی ان الله یحکم بینهم فی ما هم فیه یختلفون ان الله لایهدی من هو کاذب کفار (زمر آیه ۳):

آگاه باش که دین خالص تنها برای خداست و کسانی هم که به جای خدا اولیایی می گیرند منطقشان این است که ما آنها را بدین منظور می پرسیم که قدمی به سوی خدا نزدیکمان کنند به درستی که خدای ربین آنان در خصوص آنچه مورد اختلافشان است حکم می کند. به درستی خدا کسی را که دروغگو و کفران پیشه است هدایت نمی کند

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَقِمْوا إِلَیْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ وَ وِیلٌ لِلْمُشْرِکِینَ (۶)

بگو من تنها بشری هستم مثل شما با این فرق که به من وحی می شود که معبود شما معبودی است یکتا پس همه يك صدا به سویش رو کنید و از شرکی که به وی ورزیده اید استغفار کنید و وای به حال آنان که شرک می ورزند.

اصولاً این مسأله که انسان برای ارتباط با خدا نیازمند وسیله نیست؛ و شرک چیزی جز این نیست که ما قائل به این شویم که برای ارتباط با خدا محتاج وسیله هستیم واضح است.



طاهری

شماره پروانه: ۱۸۷۰۴



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

و این بحثی غیر از توسل است و هیچ متکلم یا فقیهی در مذهب شیعه نگفته است که برای ارتباط با خدا ملزم به توسل هستیم بلکه توسل، امری مستحبی است.

متأسفانه نویسندگان رأی نه تنها تفاوت بین توسل و شرک و عقیده شیعه را نمی دانند معنای وسیله در آیه مورد استناد خود را هم نمی دانند. آنها به آیه «وَابْتَغُوا إِلَيْهَا الْوَسِيلَةَ»، به عنوان مستندی برای لزوم داشتن وسیله و واسطه در ارتباط با خدا استناد می کنند در حالی که معنای مد نظر خداوند این نیست.

تفسیر المیزان و ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، و حقیقت وسیله به درگاه خدامرات راه خداست، به این که اولاً به احکام او علم پیدا کنی و در ثانی به بندگی او بپرداز، و ثالثاً در جستجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت باشی و این وسیله معنایی نظیر معنای کلمه قربت را دارد، و چون وسیله نوعی توصل است و توصل هم در مورد خدای تعالی - که منزله از مکان و جسمانیت است - توصل معنوی و پیدا کردن رابطه‌ای است که بین بنده و پروردگارش اتصال برقرار کند، و نیز از آنجاکه بین بنده و پروردگارش هیچ رابطه‌ای به جز ذلت عبودیت نیست، قهر او وسیله عبارت است از این که انسان حقیقت عبودیت را در خود تحقق دهد و به درگاه خدای تعالی وجهه فقر و مسکنت به خود بگیرد، پس وسیله در آیه شریفه همین رابطه است.

ثانیاً - در پاسخ به باور آقای طاهری در مورد توسل

آقای طاهری در سطر هفتم صفحه بیست و دوم لایحه دست نویس اشاره کرده «...از آنجا که اینجانب شیعه اثنی عشری هستم، آنچه را که در این مذهب مترقی مرسوم است و نسبت به آن اعتقاد عمیقی وجود دارد مانند شفاعت، توسل، زیارت اماکن متبرکه، و اهل قبور و مراسم و مناسک مختلف مذهبی را قبول داشته و دارم برای نمونه مدتی قبل از دستگیری ام به همراه خانواده، مادرم و مادر همسرم به زیارت مشهد مقدس رفته ایم و من به کنار ضریح رفته و بوسه زده ام....»

ط - پاسخ به اتهام جن گیری و احضار روح:

در متن رأی در تشریح این اتهام چند موضوع مطرح شده است:

- 1- «با توجه به متیقن بودن آموزه های دین مبین اسلام در این که انسان پاک و طاهر به دنیا می آید و امکان ورود و وجود و همراهی اجنه و کالبد ذهنی در بدن فرد بدون دلیلی، ناممکن و منافات دارد.»



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

2- «وی مدعی است از طریق عضویت در این مرکز و گذراندن دوره های آن ، اجنه و ارواح سرگردان از کالبد انسان خارج می شود که این موضوع یکی از ادعاهای انحرافی کلیسای صهیونیست مسیحی است که این عمل را اکسورسز می نامند»
در پاسخ به این ادعاها باید عنایت داشت که :

اولاً بر خلاف نظر نگارنده رأی ، در اسلام ورود جن و شیطان به کالبد انسانی ممکن دانسته شده است و در این خصوص آیات و روایات مختلفی وجود دارد از جمله:

اول - سوره بقره آیه ۲۷۵ که می فرماید: «الذین يأكلون الربا لا يقومون الا كما يقوم الذی يتخبطه الشیطان من المس ...» کسانی که ربا می خورند روز قیامت برنمی خیزند مگر مانند کسی که در اثر تصرفات شیطان دیوانه گشته است

دوم - سوره زخرف آیه ۳۶ که می فرماید: «ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین» و کسی که از یاد رحمان روی برگرداند شیطانی بر او می گماریم که همواره قرینش باشد .

سوم - الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنه و الناس: «کسی که در قلب مردم وسوسه می کند اعم از جن و انس»

چهارم - سوره اسراء آیه ۶۴ که می فرماید «و استغفر من استطعت منهم بصوتک و اجلب علیهم بخیلک و رجلک و شارکهم فی الاموال و الاولاد و عدهم و ما یعدهم الشیطان الا غروراً»

با آواز خود هر چه توانستی از ایشان بفریبی ، بفریب و تا آنجا که می توانی لشکر سواره و پیاده ات را بر سر ایشان بتازان و احاطه شان کن و در اموال و اولادشان شرکت کن و وعده شان بده و شیطان چیزی وعده فریبه آنها نمی دهد.

پنجم - شیخ کلینی در کتاب اصول کافی (ج ۴ ص ۲۴۱) «عن ابی عبدالله او عن ابی جعفر (ع) قال ان آدم (ع) قال یا رب سلطت علی الشیطان و اجریته منی مجری الدم» و ایضاً کافی ج ۱۵ ص ۲۷۷ «و هو یجری من ابن آدم مجری الدم فی العروق». این روایت در کتب بسیاری آمده است .

ششم - از پیامبر اسلام نقل شده است: «ما منکم من احد الا و معه قرینه من الجن و قرینه من الملائکته قالوا و ایاک ؟ قال و ایای ، ولكن الله اعانی علیه فاسلم فلا یأمرنی الا بخیر



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:

شماره:

پیوست:

قال سفیان بن عیینه معناه فاسلم من شره و ان الشیطان لایسلم و قال غیره هو علی صیغه الفعل الماضي و یدل علیه ما قاله علیه السلام فضلت علی آدم بخصلتین کان شیطانی کافراً فاعاننی الله علیه و کن ازواجی عوناً لی و کان الشیطان آدم کافراً و زوجته عوناً علی خطیئته [روح البیان، اسماعیل حق، ج ۸ ص ۲۶۴]

یعنی: پیامبر اسلام فرمود هیچ کدام از شما نیست مگر این که همزادی از جن و همزادی از ملائکه دارد گفتند: حتی برای شما؟ گفت: حتی من ولی الله مرا یاری داد که او را مسلمان کنم و او مرا بر چیزی غیر خیر امر نمی کند

در این مورد سفیان بن عیینه گفته است معنایش این است که از شر او سالم مانده است و گر نه شیطان مسلمان نمی شود. دیگران گفته اند که این صیغه فعل ماضی است و بر این سخن آنچه علیه السلام گفته است دلالت دارد که فرمود من بر آدم به دو خصلت برتری دارم اول این که شیطان من کافر بود و خدا مرا یاری داد علیه او و همسران من کمک و پشتیبان من بودند و شیطان آدم کافر بود و همسرش هم پشتیبان خطا و اشتباهش بود.

هفتم - وجود مبارک سیدالشهداء در فرازی از دعای عرفه می فرماید: «کأنتی من طوارق الجنّ و سلمتني من الزیادة و النقصان» از آسیب جنیان نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالم داشتی.

از مجموع آنچه در سطور بالا به عرض رسید واضح می شود که ارتباط و نفوذ جن بر انسان در اسلام موضوعی پذیرفته شده است.

ثانیاً - در مورد این که خارج کردن ارواح و اجنه از بدن بیماران ادعای کلیسای صهیونیستی است به مطالب زیر عنایت بفرمایید:

در فقه انور شیعه، یکی از مباحث مطرح شده در کتب مکاسب و متاجر، بحث حرمت سحر و حلیت برخی از اقسام آن عندالضروره است.

در آنجا از خارج کردن جن از بدن بیمار، نام برده شده است و از آن به عنوان استتزال الجن یا استتزال الشیطان نام برده شده است و نوشته های مربوط به آن را به عنوان عزائم معرفی می نمایند به عنوان مثال عبارت زیر:»





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

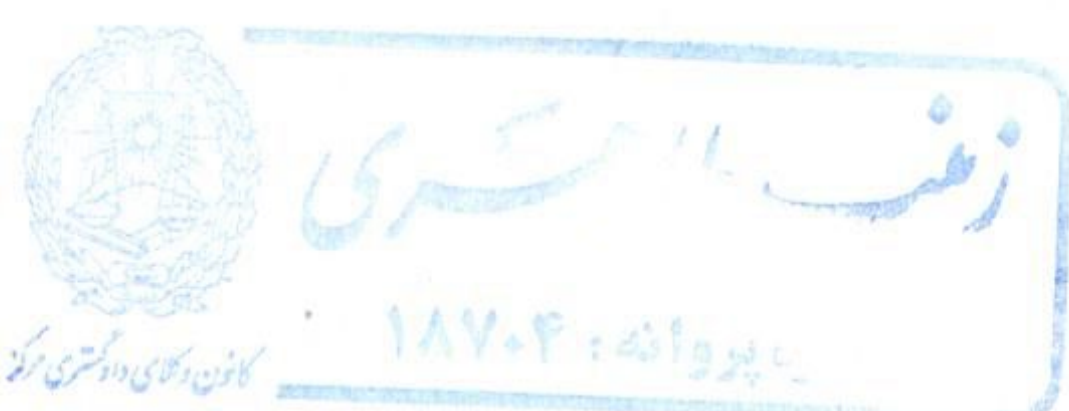
عزائم و نحوها یحدث بسببها ضرر علی الغیر و منه عقد الرجل عن زوجته بحیث لا یقدر علی وطیها و القاء البغضاء بینهما و منه استخدام الملائکه و الجن و استتزال الشیاطین فی کشف الغائبات و علاج المصاب و استحضارهم و تلبسهم ببدن الصبی او امرأه و کشف الغائب علی لسانه فتعلم الذلک و اشباهه و عمله و تعلیمه کله حرام و التکسب به سحت و یقتل مستحله ، و لو تعلمه لیتوقی به او لیدفع به المبتنی بالسحر فالظاهر جوازه ، و ربما وجب علی الکفایته کما اخطاره الشهید فی دروسه «[مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول]

عزائم و مانند آن : با استفاده از اسباب آن به دیگران ضرر وارد می کنند و از موارد آن بستن شوهر بر همسرش است به گونه ای که قادر بر نزدیکی با او نباشد و ایجاد کینه و دشمنی بین زوجین ، و از موارد آن به کارگیری فرشتگان و جن و استتزال شیاطین برای پیدا کردن اشیاء گمشده و درمان بیماران و احضار کردن آنها و وارد کردنشان به بدن کودک یا زن و یافتن گمشده از زبان آنها ، پس آموختن آن و مواردی مثل آن ، و عمل به آن و تعلیمش کلا حرام است و کسب مال از آن نامشروع و کسی که آن را حلال بشمارد باید به قتل برسد و اگر یاد بگیرد که از خودش مراقبت کند یا چیزی که بر سحر بنا شده است را دفع کن ، ظاهر جواز آن است و شاید هم وجوب کفایی آن به گونه ای که شهید در دروس بیان می کند صحیح باشد.

بنابر آنچه گفته شد معلوم شد که ارتباط با جن و تأثیر آن بر بدن انسان و امکان سلطه او بر انسان و همچنین امکان خارج کردن او از بدن انسان ، در فقه و تاریخ ما سابقه دارد و ارمغان غرب و کلیسای به اصطلاح صهیونیستی نیست.

علاوه بر اینها ، موکل در سطر چهاردهم صفحه بیستم لایحه دست نویس اعلام کرده ((..هرگز مبحثی تحت عنوان جن گیری و یا ارتباط با ارواح در عرفان حلقه وجود نداشته و از زبان من شنیده و یا نوشته نشده است و کذب می باشد.. آنچه که باعث شده تا مغرضین با وارونه جلوه دادن قابلیت های عرفان حلقه ، اقدام به انجام تبلیغات کذب در این زمینه کنند، یکی از نظریه های اینجانب تحت عنوان موجودات غیر ارگانیک یا ویروس های غیر ارگانیک و یا ویروس های ذهنی می باشد که برای اولین بار در تاریخ ، تأثیر تداخل این موجودات (جن) در سلامتی ذهنی انسان مورد تحقیق نظری و عملی قرار گرفته و به اثبات رسیده است...))

ی- پاسخ به اتهام داشتن افکار ماتریالیستی:





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

موکل در سطر پنجم از صفحه هجدهم لایحه دست نویس خود نوشته است «داشتن افکار ماتریالیستی یکی از تهمتهایی بود که در آخرین لحظات دادگاه به آن اشاره شده که تصور می کنم این اتهام کذب به خاطر اشاره به تضاد در دروس عرفان حلقه می باشد(ماده، ضد ماده، انرژی، ضد انرژی، شعور، ضد شعور) در حالیکه بحث در موضوع ضد، مختص ماتریالیست ها نبوده و به قدمت تاریخ سابقه دارد.... اینطور نیست که هرکس از تضاد صحبت کند، ماتریالیست است...»

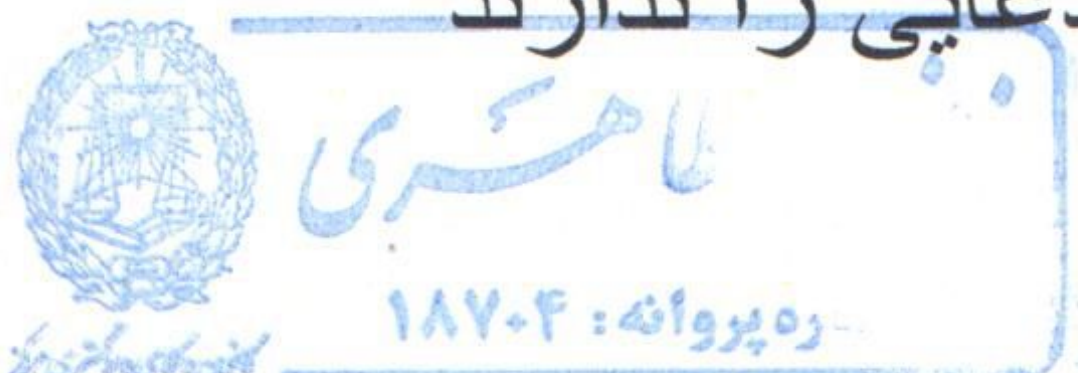
ک- پاسخ به ادعای مطروحه دایر بر منع مردم از انجام عبادات ظاهری:

آقای طاهری در سطر پایانی از صفحه پنجم لایحه دست نویس خود اعلام کرده است.. «اولا از هفتاد مقاله چاپ شده من در روزنامه های مختلف، تعدادی از آنها راجع به نماز، روزه، حج و... بوده و صدای اذانم را عده کثیری شنیده اند. در ماه مبارک رمضان مراسم افطاری داشته ام... ثانيا همان طور که قبلا توضیح داده شد، بدون ظاهر، باطن هم خدشه دار می شود...»

آقای طاهری در ادامه در سطر ششم تا یازدهم صفحه ششم لایحه دست نویس ادامه می دهد.... برای یک عرفان نوظهور که مدعی آوردن کشف و شهود و ارایه کیفیات باطنی جدید در حوزه عرفان اسلامی است، این یافته ها نمی تواند سلبی باشد. برای مثال بگوید نماز نخوانید، در این صورت مورد تمسخر همگان قرار خواهد گرفت. زیرا به این شکل حرف نویی را مطرح نکرده و برای کسی ثمری به بار نیاورده و کشف و شهودی محسوب نمی شود.. اما اگر توانست به نوعی در مردم نسبت به عبادات کشش و جاذبه ای ایجاد نماید، این در خور توجه است و مورد استقبال قرار خواهد گرفت و این همان کاری است که من به وسیله عرفان حلقه انجام داده ام و شاگردان موسسه ضمن انجام عبادات ظاهری از نظر ارتقای انگیزه عبادات و هم از نظر ادراک مقیم شدن در نماز به تجربه ای کاملا نو و منحصر به فرد دست یافته اند...»

ل- پاسخ آقای طاهری در خصوص انتساب اتهام گمراه کردن مردم:

در سطر نوزدهم صفحه هفتم لایحه دست نویس اظهار کرده اند.. «در مورد اینکه ادعا می شود باعث گمراهی دیگران شده ام (که همان اتهام تاریخی سقراط می باشد)، ادعایی پوچ، موهوم و پاپوش است.. زیرا همه شرکت کنندگان در کلاسهای موسسه و.. همگی عاقل و بالغ بوده و با میل و رغبت خود در کلاس حضور یافته و خود ایشان چنین ادعایی را ندارند و رضایت نامه پایان دوره را نیز به موسسه تحویل داده اند...»





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

واما در مورد اتهام افساد فی الارض

شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور صراحتاً در سطر ۱۱ و بند چنین بیان داشته رابعاً: با فرض عدم جواز استناد قانونی به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به لحاظ زمان وقوع اقدامات با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و سایر مواد قانونی مربوط به جرم افساد فی الارض نیز منطبق نمی باشد.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، «محاربه و افساد فی الارض» به عنوان یکی از جرائم مستوجب حدّ عنوان باب هفتم از کتاب دوم (حدود) را به خود اختصاص داده است. به موجب ماده ۱۸۳ این قانون: «هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می باشد.

تبصرة ۱- کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود محارب نیست.

تبصرة ۲- اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد ولی عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی شود.

تبصرة ۳- میان سلاح سرد و سلاح گرم فرقی نیست».

محرابه و مفسد فی الارض عبارت است از، برکشیدن سلاح به قصد ارعاب و سلب آزادی و امنیت مردم». این تعریف متّخذ از منابع فقهی است. محقق حلی در تعریف محارب گفته است: «المحارب، کل من جرّد السلاح لاختافه الناس» (محقق حلی، ۱۹۸۳: ۴، ۱۸۰). یعنی؛ «محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح بر روی آنها بکشد».

در مانحن فیه در پرونده موردی بر حمل یا استفاده اسلحه توسط موکل وجود ندارد. استناد ماده ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی نسبت به موکل سالبه به انتفاع موضوع می باشد.

علیهذا با توجه به این که دادسرا نسبت به جرم اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق عضویت در گروه چریکهای فدایی خلق و ترور افراد، ارتداد، ساب النبی، منع تعقیب صادر نمود، و شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور نیز در سطر یازده رای صراحتاً بیان داشته با فرض عدم جواز استناد قانونی به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی



کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:

شماره:

پیوست:

مصوب ۱۳۹۲ به لحاظ زمان وقوع اقدامات با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و سایر مواد قانونی مربوط به جرم افساد فی الارض نیز منطبق نمی باشد.

موردی برای رسیدگی به جرم افساد فی الارض وجود ندارد.

همچنین لازم به تاکید است قرار بازداشت موقت موکل در خرداد ۱۳۹۵ تمدید گردید و تا کنون که حدود ۶ ماه از آخرین قرار بازداشت آن می گذرد تعیین تکلیفی نسبت به آن نشده است. از دادگاه محترم درخواست تعیین تکلیف نسبت به قرار صادر شده را دارد از تیر ماه موکل به صورت غیر قانونی در بند دو الف بازداشت می باشد.

لذا با عنایت به جمیع موارد فوق و به استناد اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، قاعده فقهی درء، اصل تفسیر به نفع متهم و همچنین اصل ۳۷ قانون اساسی صدور رای مبنی بر ائنت متهم مورد استدعاست.

با آرزوی توفیق الهی

دکتر سید محمود علیزاده طباطبایی

زینب طاهری





کانون وکلای دادگستری مرکز

تاریخ:
شماره:
پیوست:

رئیس محترم شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر اسلامی
سلام،

احتراماً نسبت به پرونده محمدعلی طاهری، موضوع: ۷ سال زندان ۲ الف، بدست می باشد و بدست
شیراز دودان، خانواده خود ملاقاتی نداشته، خطبی را به اشخاص می رسانند؛

۱- بعد از صدور حکم اعدام به استناد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پرونده جهت
بررسی به دیوان عالی کشور ارجاع شده.

دیوان عالی کشور شعبه ۳۳ نسبت به حکم اعدام در حق داریوش بدین صورت رد نمود؛ با توجه به اینکه محترم
از سال ۸۹-۹۰ در حبس به سر می برد و جهت استناد به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
مورد ندارد. هم چنین در سفر ۱۱ رای بند ۴ نیز چنین بی نیاموده است. اقدامات متهم، ماده
۱۸۱-۱۸۲ قانون مجازات اسلامی سال ۸۰ نیز منطبق نمی باشد.

نواقضی در پرونده وجود داشت نیز بر اقصای اتهام ارتداد و بانی در درجه دوم بررسی به عمل و
عدم تقیم تهری تخلفی نسبت به آن؛ که پرونده به شعبه اربع جهت تقیم تخلفی نیست؛
نواقضی به دیوان اعلام نمود.

شعبه سوم به بررسی نیز به بررسی نسبت به اجتماع و تبانی؛ ارتداد، سبب التی و منع تعقیب
صدور نمود.

موتل از تاریخ ۹۵ بدو نیز اشیای برای تالیف صادر نکرد در حبس به سر می برد.

از محضر محترم دارنده تقاضای تسکین حکمت نسبت به بدست موتل یاد کرد.

محمد طاهری
طاهری



زینب طاهری

شماره پروانه: ۱۸۷۰۴

کانون وکلای دادگستری مرکز

